

ترجمه تنظیم وزارتخانه های فرانسه



سعیده سلطانی مقدم
شیرین احمدی

اسد البرجم الحمر

تبرستان
www.tabarestan.info

ترجمه تنظیم
وزارتخانه های فرانسه

www.tbprestan.info

«متنی از دوره قاجار»

مترجم:

ژول ریشار (میرزا رضاخان)

۱۲۳۱-۱۳۰۸ ق

سعیده سلطانی مقدم

شیرین احمدی

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه تنظیم وزارتخانه‌های فرانسه «متنی از دوره قاجار» / مترجم ژول ریشار (میرزاحاجان)؛ به کوشش سعیده سلطانی مقدم، شیرین احمدی.

مشخصات نشر : قم: نشر مورخ، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.

شابک : ۹۷۸۶۰۰۹۸۱۳۰۰۱

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : قانونگذاری — فرانسه — متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع Legislation—France—Early works to 20th century :

موضوع : وزارتخانه‌ها — فرانسه — متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع Executive departments—France—Early works to 20th century :

موضوع : فرانسه — سیاست و حکومت — متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع France—Politics and government—Early works to 20th century :

شناسه افزوده : ریشار، ژول، ۱۸۱۶ - ۱۸۹۱ م. مترجم

شناسه افزوده Richard, Jules :

شناسه افزوده : احمدی، شیرین، ۱۳۵۳ -

شناسه افزوده : سلطانی مقدم، سعیده، ۱۳۶۱ -

رده بندی کنگره : KJV ۴۳۲۱ / ۴۳۹۶

رده بندی دیویی : ۳۴۰/۰۹۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۲۴۸۲۱

ترجمه تنظیم وزارتخانه‌های فرانسه

متنی از دوره قاجار

مترجم: ژول ریشار (میرزاحاجان)

به کوشش: شیرین احمدی، سعیده سلطانی مقدم

ناشر: مورخ

چاپ اول: ۱۳۹۶

تعداد: ۱۰۰۰ دوره

شابک : ۹۷۸۶۰۰۹۸۱۳۰۰۱

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

تلفن پخش: ۰۲۵۳۷۷۳۱۳۵۵

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۱	 دارالفنون
۱۳	 تاسیس دارالترجمه
۱۴	 مترجم
۱۶	 بحران آب
۱۸	 کشاورزی و زراعت
۱۹	 شیوه تصحیح
۲۱	 ترجمه تنظیم
۲۱	 وزارت خانه های فرانسه
۲۲	 اختیارات پادشاه فرانسه
۲۴	 وزیران فرانسه و وظایف آنها
۲۷	 معادن و معماری کشور فرانسه
۲۸	 وظایف و اختیارات حاکم
۳۲	 درآمد و مخارج دهکده
۳۶	 ویژگی ها و مشخصات وزارتخانه ها در فرانسه
۳۶	 وظایف وزیر عدلیه
۳۹	 وظایف وزیر امور خارجه
۴۱	 وظایف وزیر مدارس
۴۲	 وظایف وزیر داخله
۴۴	 کارهای متعلق به رئیس دفترخانه پنجم

- کارهای متعلق به رئیس دفترخانه ششم ۴۵
- وظایف و اختیارات وزیر زراعت و تجارت ۴۶
- تجارت داخلی ۴۷
- تجارت خارجی ۴۸
- معماری شهرها و ساخت و ساز جاده ها ۴۹
- وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه سوم ۵۰
- وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه چهارم ۵۰
- وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه پنجم ۵۰
- وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه ششم ۵۱
- وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه هفتم ۵۱
- وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه هشتم ۵۱
- وظایف وزیر لشکر ۵۲
- وظایف نایب وزیر لشکر ۵۲
- وظایف و اختیارات رئیس اول وزارتخانه لشکر ۵۳
- وظایف رئیس دوم وزارتخانه لشکر ۵۴
- وظایف و اختیارات رئیس سوم و چهارم وزارتخانه لشکر ۵۵
- وظایف و اختیارات رئیس پنجم وزارتخانه لشکر ۵۶
- وظایف نایب وزارت البحر ۵۷
- وظایف رئیس اول وزارت البحر ۵۷
- وظایف رئیس دوم وزارت البحر ۵۸
- وظایف رئیس سوم وزارت البحر ۵۸
- وظایف و اختیارات رئیس پنجم وزارت البحر ۵۹
- وظایف و اختیارات وزیر محاسبات ۶۰
- وظایف کارپردازان وزارت محاسبات ۶۰

۶۱.....	وظایف نایب وزیر محاسبات
۶۲.....	وظایف رئیس اول وزارت محاسبات
۶۲.....	وظایف رئیس دوم وزارت محاسبات
۶۳.....	وظایف رئیس سوم وزارت محاسبات
۶۳.....	وظایف رئیس چهارم وزارت محاسبات
۶۳.....	وظایف رئیس پنجم وزارت محاسبات
۶۴.....	وظایف رئیس ششم وزارت محاسبات
۶۴.....	وزارت عدلیه فرانسه
۶۶.....	وظایف و اختیارات وزیر عدلیه
۶۷.....	وزارت امور خارجه
۶۸.....	وزیر مدارس
۷۱.....	وزارت داخله
۷۱.....	وظایف محتسین
۷۶.....	مریض خانه ها و مهمان خانه ها
۷۷.....	زندان های مملکت فرانسه
۷۸.....	قسمت اول در قاعده و قانون دولت فرانسه است؛
۷۸.....	وظایف و اختیارات وزیر زراعت و تجارت
۸۲.....	وزیر معماری و وظایف آن
۸۴.....	وظایف وزیر لشکر
۹۱.....	وظایف و امور وزیر استیفا
۹۸.....	فهرست منابع

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه

نخستین کوشش‌ها برای ورود تمدن جدید غربی در ایران، در عهد فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰) آغاز شد، در دوره‌ی فتحعلی شاه که از یک سو فرستادگان کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه بیش از گذشته به دربار ایران رفت و آمد داشتند و از سوی دیگر، سپاه ایران به رغم کوشش بسیار در جنگ‌های مرزی با روسیه (دور اول: ۱۲۱۸-۱۲۲۸؛ دور دوم: ۱۲۴۱-۱۲۴۳) ناکام مانده بود، رفته رفته برخی دولتمردان به بی سامانی اوضاع و عقب ماندگی ایران پی بردند و درصدد چاره جویی برآمدند. عباس میرزا (۱۲۰۳-۱۲۴۹)، نایب السلطنه و سردار سپاه و وزیرش قائم مقام اول، هم چون عثمانیان در دوره‌ی اصلاحات سلطان سلیم سوم، با اصلاح سپاه و ترجمه‌ی آثار فرانسوی در باب لشکرآرایی و توپ خانه، گام اول را به سوی مدنیت غربی برداشتند. ۱ ترجمه‌های اولیه را مستشاران و هیئت‌های نظامی فرانسوی و انگلیسی، تاجران و مبلغان مذهبی اروپایی و

۱. آبراهمیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه گل محمدی، احمد و فتاحی، محمد ابراهیم، نشر

ارمنی، محصلان و گروه های ایرانی بازگشته از اروپا و هندوستان و عثمانی، انجام می دادند.

در دوره ی محمد شاه نیز اعزام دانشجو به خارج و ترجمه ی آثار اروپایی کمابیش ادامه یافت. مشهورترین ترجمه ی این دوره، تاریخ ناپلئون اول اثر والتر اسکات فرانسوی است که میرزا رضا تبریزی (ظاهراً همان میرزا رضا مهندس) در ۱۲۵۳ آن را از متن انگلیسی به فارسی برگرداند.^۱ در همین دوره درباره ایران به راهنمایی ریشارخان فهرستی از آثار اروپایی فراهم آورد و سفیر ایران در فرانسه را مأمور تهیه ی آن آثار کرد. این فهرست حاوی ۴۷ اثر مهم فرنگیان در فلسفه، اقتصاد، تاریخ، علوم طبیعی و فنی، نقشه های جغرافیایی و نمونک (ماکت) قطار و راه آهن و کشتی بخار و ماشین بخار بود.^۲

در دوره ی ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳)، با تأسیس «دستگاه مترجمان دولتی» و دارالفنون و دارالترجمه ی ناصری، ترجمه ی آثار اروپایی برای نخستین بار انسجام و سامان یافت.^۳ گسترش مناسبات با دولت های خارجی، امیر کبیر را به استخدام و تربیت مترجم واداشت. او در دستگاه مترجمان دولتی، برخی از فرنگیان و ایرانیان و مسیحی و تحصیل کردگان مسلمان را به کار گماشت، از جمله ادوارد برجیس، آندره نمساوی، جان داوود، میرزا ملکم خان، میرزا

۱. انوار، عبدالله، فهرست کتب خطی کتابخانه ملی ایران، جلد سوم، نشر مرکز، ۱۳۸۴، ص ۷۵-۷۶.

۲. ناطق، هما، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، نشر نظر، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹-۲۴۳.

۳. ر.ک هاشمی، سید احمد و دیگران، نهضت ترجمه در فرهنگ اسلامی، نشر کتاب مرجع،

ابراهیم، نظر آقا (یمین السلطنه)، یحیی خان (مشیرالدوله)، میرزا محسن، میرزا آقا تبریزی، میرزا محبعلی یکانلو، میرزا عبدالرسول، میرزا زکی مازندرانی، محمدقلی خان، محمدرضا خان کاشانی، محمدحسن خان قاجار.^۱

دارالفنون

تأسیس دارالفنون در ۱۲۶۸ و استفاده از استادان خارجی در آن، موجب شد که علاوه بر ترجمه‌ی شفاهی درس گفتارهای معلمان، برخی کتاب‌های درسی نیز برای استفاده‌ی دانشجویان ترجمه و منتشر شود. در مدرسه‌ی نظامی و مدرسه‌ی سیاسی نیز چنین کوشش‌هایی معمول بود. حجم کتاب‌هایی که در دوره‌ی امیر کبیر از اروپا وارد ایران شد، درخور توجه است، مثلاً ۲۹۳ کتاب و ۳۲۳ نقشه‌ی جغرافیایی در ۱۲۶۵ از فرانسه به ایران رسید و شماری از آن‌ها ترجمه شد.^۲ لازم به ذکر است در دوره‌ای که دارالفنون کار خود را آغاز کرده بود، زبان فرانسه به عنوان زبان رسمی و زبان دارالفنون شناخته شده بود. با این وجود، زبان انگلیسی کاملاً از برنامه آموزشی دارالفنون حذف نشده و کلاس‌های زبان انگلیسی همواره در آن دایر بود.^۳ علاوه بر زبان انگلیسی، زبان‌های فرانسه، عربی و روسی

۱. آدمیت فریدون، امیر کبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، چاپ نهم، ۱۳۴۵، ص ۳۷۹-۳۸۰.

۲. آدمیت، همان، ص ۳۸۰-۳۸۱.

۳. کرزن، ناتانیل جورج، ایران و قضیه ایران، دو جلد، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، انتشارات

علمی و فرهنگی، ۱۳۴۹، ص ۶۳۹.

نیز تدریس می شد کرزن هنگام بازدیدش از مدرسه دارالفنون، به هشت معلم خارجی در این مدرسه اشاره می کند که یکی از آن ها معلم انگلیسی بوده است^۱ به استناد سالنامه های دولت ناصرالدین شاه بین سال های ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۲ ق، در دارالفنون به جز سال ۱۳۱۲ ق، در مابقی سالها معلم انگلیسی حضور داشته است^۲

دوره ناصری شرایط به گونه ای دیگر رقم می خورد و ترجمه از زبان فرانسه بسیار پیشی می گیرد از مهمترین علل پیشی گرفتن زبان فرانسه از انگلیسی می توان به چند مورد اشاره کرد.

عمومیت یافتن زبان فرانسه در ایران مصادف با تأسیس دارالفنون ذکر شده است. چرا که معلمین اتریشی و ایتالیایی این مدرسه، زبان فرانسه می دانستند و در همین زمان نیز، هفت یا هشت نفر از ایرانیان با زبان فرانسه آشنا بودند و می توانستند به عنوان مترجم نیازهای دارالفنون را بر آورده کنند^۳. از طرفی، زبان فرانسه نیز در دارالفنون زیر نظر مسیو ریشار تدریس می شد^۴ در ادامه و در زمان حاج میرزا حسین خان سپهسالار در ۱۲۸۹ ق با تأسیس مدارس مشیریه، زبان فرانسه بیش از پیش همه گیر شد و با بازگشت

۱. همان ص ۶۳۸.

۲. قاسمی، فرید، چکیده و متن کامل سالنامه های ایران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵، صفحات مختلف.

۳. اعتماد السلطنه، محمد حسن، صدرالتواریخ، به کوشش محمد مشیری، نشر روزبهان، چاپ دوم، ۱۳۵۷، ج اول؛ ص ۶۹۷.

۴. فووریه، ژرار، سه سال در دربار ایران، ترجمه اقبال آشتیانی، عباس، انتشارات کتب ایران، ۱۳۲۵، ص ۱۲۹.

دانشجویان اعزام شده به فرانسه، این زبان در خانواده‌های اعیان، رواج خاصی یافت.^۱ از طرفی در این دوره، زبان فرانسه به عنوان زبان علم و ادبیات در بین زبان‌های خارجی شکل بین المللی به خود گرفته بود. ایرانی‌ها، فرانسویان را وارثان بی چون و چرای اندیشه‌ی عصر روشنگری و انقلاب کبیر می‌دانستند^۲ جدا بودن فرانسه از جریانات سیاسی، گرایش به سمت فرهنگ و ادبیات فرانسه را در ایران بیش از پیش، رونق و سرعت بخشید و تقریباً زبان فرانسه به مدت یکصد سال زبان رسمی تحصیلات و مطالعات خارجی در مدارس ایران بود.^۳

تأسیس دارالترجمه

تاریخ دقیق تأسیس دارالترجمه‌ی ناصری معلوم نیست. این دارالترجمه، زمانی هم چون دارالفنون و دارالطباعة و دارالتألیف، از ادارات وزارت علوم و تجارت بود، اما پس از ذیحجه‌ی ۱۳۰۰ که به فرمان ناصرالدین شاه مترجمانهمه‌ی وزارتخانه‌ها به این مرکز پیوستند و «مجلس دارالترجمه» افتتاح شد، استقلال و اهمیت دارالترجمه بیشتر گشت.^۴ از ۱۲۸۷ تا ۱۳۱۳، محمد حسن خان صنّیع الدوله (بعدها ملقب به اعتماد السلطنه)، که بر زبان فرانسه مسلط بود، ریاست دارالترجمه را بر عهده داشت. او مترجمانی از زبان‌های

۱. اعتماد السلطنه، همان، ج اول، ص ۶۹۷.

۲. ناطق، پیشین، ص ۱۷.

۳. همان.

۴. اعتماد السلطنه، پیشین، ص ۲۶۰-۲۶۱.

عربی، ترکی، اردو، هندی و نیز زبان های اروپایی به کار گمارد.^۱ در ۱۳۰۲ مجلس وزرا بودجه ی دارالترجمه را صد تومان در ماه مقرر کرد، اما شاه از پرداخت این مبلغ اکراه داشت و همان انعام های گاه و بی گاه را کافی می دانست، به گفته ی اعتماد السلطنه، در همان زمان سلطان عثمانی سالانه سه هزار لیره (نوده هزار تومان) صرف روزنامه ای فرنگی زبان می کرد.^۲

پس از در گذشت اعتماد السلطنه و ناصرالدین شاه، کار دارالترجمه و دارالطباعة ی ناصری را کد شد، اما مترجمان در مطبوعات و مراکز دیگر به فعالیت مشغول شدند.^۳

یکی از این ترجمه ها در دوره ناصری کاری از رضای ریشار پاریسی است به شماره ۵۳۱۵ در مرکز احیا میراث اسلامی نگه داری می شود و محمد حسن پاریسی کتابت کرده است.

مترجم

ژول ریشار یا میرزا رضاخان متولد ۱۲۳۱ در پاریس و درگذشته ۱۳۰۸ ه.ق است. نخستین معلم زبان فرانسه مدرسه در عهد قاجاریه، که بسیاری از رجال نامدار ایران در عصر قاجار و پهلوی، زبان فرانسه، را از وی آموخته اند و نام او بدلائل مختلف در تاریخ قاجاریه ذکر شده است

۱. قاسمی، پیشین، ص ۲۱۲-۲۴۷.

۲. اعتماد السلطنه، ص ۳۵۰-۳۵۱.

۳. ر.ک هاشمی، سید احمد و دیگران، نهضت ترجمه در فرهنگ اسلامی، نشر کتاب مرجع،

ژول ریشار در سال ۱۸۱۶ میلادی برابر با ۱۲۳۱ هـ ق در پاریس به دنیا آمد وی در سال ۱۸۴۸ میلادی برابر با ۱۲۶۰ قمری و در زمان پادشاهی محمد شاه قاجار، به ایران آمد و پس از قبول دین اسلام، نام خویش را تغییر داد و رضا گذاشت و به میرزا رضا خان شهرت یافت. در اواخر سال ۱۲۸۸ قمری، از طرف ناصرالدین شاه قاجار لقب خانی به او داده شد و از این تاریخ به بعد معروف به ریشار خان گردید وی پس از تأسیس دارالفنون بعنوان اولین معلم زبان فرانسه در این مدرسه مشغول به تدریس شد و تا آخر عمر خویش، معلم فرانسه دارالفنون بود. وی البته بعدها جزو کارمندان وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی نیز شد و در این وزارتخانه، مترجم زبان فرانسه، زبان انگلیسی و غیره بود.

وی سرانجام در سن ۷۷ سالگی، و در سال ۱۳۰۸ هجری قمری، مصادف با ۱۸۹۱ میلادی در تهران درگذشت و در گورستان خارج دروازه شهرری، در محلی که موسوم به آب انبار قاسم خان بود، به خاک سپرده شد.^۱

همانطور که خودمترجم یادآور شده است ترجمه تنظیم وزارتخانه‌های فرانسه به دستور ناصرالدین شاه انجام شده «...بعد مکشوف می‌دارد که حسب فرمان بندگان دربار عرش مدار شهریار زمان و پادشاه زمین ظل الله فی الارضین سلطان السلاطین ناصرالدین شاه قاجار که همیشه اعلامش منصور و اعدایش مقهور باد

۱. بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری (جلدهای ۲ و ۵). (چاپ

اول. تهران: زوار، ۱۳۴۷.

در دارالترجمه که بناهای جدید الحداث دولت علیه ایران صانعها الله عن الحدث آن است کتابی را که در قوانین دولت قویه فرانسه دو مصنف آگاه ورژه و لکن تصنیف نموده بودند رضای ریشار پارسی ترجمه کرده»

از نکاتی که در این رساله مورد توجه است که انتخاب و دلیل نهاد دولت و وزارت را در فرانسه این گونه بیان کرده است: «بدان که چون پادشاه را نمی‌توان در امور دولت مواخذه کرد باید اشخاصی داشته باشد که امور دولت را به ایشان سپرده هر وقت خطا و خطایی روی دهد از عهده برآیند»

نویسنده از این رساله تعداد وزارتخانه‌های فرانسه را برشمرده و در ادامه وظایف هر کدام از آنها را به طور مفصل نوشته است:

«اکنون در فرانسه ده وزیر می‌باشند که امور دولت بسته به تدبیر ایشان است :

اول وزیر عدلیه و دینیه، دوم وزیر امور خارجه، سوم وزیر مدارس، چهارم وزیر داخله، پنجم وزیر تجارت و زراعت، ششم وزیر معماری‌های دولتی، هفتم وزیر لشکر، هشتم وزیر درباری، نهم وزیر استیفا، دهم رئیس وزرا»

بحران آب

از مواردیکه در این رساله آمده است نکات زیست محیطی است تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران پیوندی بنیادی با وضع آب داشته است. مورخ و پژوهشگر معاصر، همایون کاتوزیان در کتاب‌های مختلف خود درباره تاریخ ایران، وضع «آب» را در ایران مهم‌ترین

عامل شکل گیری مناسبات سیاسی و اجتماعی می داند. «نظریه جامعه کوتاه مدت» وی به وضع کم آبی و وابستگی همه امور ایرانیان به آب باز می گردد. پژوهش های طولانی نسبت مستقیم اجزای این فرهنگ با آب و شرایط این سرزمین خشک را ثابت می کند. ایرانیان در طول تاریخ با خودآگاهی نسبت به وضع اقلیم خود و با درک واقعیت کم آبی، راه های کنار آمدن با این مشکل را پیدا کرده بودند هم قنات را ابداع کردند و هم با ذکر فجایع کم آبی، سازگار و قانع و صرفه جو زندگی می کردند. می توان نحوه کنار آمدن مردم ایران با شرایط این سرزمین خشک و در عین حال تأسیس و تداوم یکی از بزرگ ترین تمدن ها و فرهنگ های جهانی را نمودی از خرد جمعی این قوم در طول تاریخ دانست.

در این رساله نیز به وضع آب در ایران اشاره شده است که در مملکت ایران بعکس فرانسه مسئله آب در درجه اول قرار گرفته است: « امور متعلقه به آب که در فرانسه در مرتبه دوم است در ایران در مرتبه اول می باشد چه جمیع زراعت و کارهایی که دولت منفعت می برد به واسطه آب است و در ایران امر آب چنان کار بزرگی است که به جای وزیرالبحر فرانسه وزیرالماء می خواهد و اگر چنین شود آب دزدی و دعوایی که در سر آب می شود موقوف می گردد و گویا در قدیم شخص بزرگی میرآب بوده است که الان هر فعله بیل بر دست می گیرد میراب می گویند.

پس یک نوع حکومت مخصوصه به آب واجب است اعم از این که در کنار دریا و یا دریاچه و یا رودخانه و یا مرداب باشد»

کشاورزی و زراعت

با شکل گیری تمدن در جوامع بشری که پروسه ای طولانی را تا به امروز طی کرده و به شکل گیری فعالیت جدیدی به نام کشاورزی انجامید به نحوی که در دوران باستان با آغاز زندگی کوچ نشینی و سپس تشکیل روستاها در حاشیه شهرها روند توسعه و تکامل خوش را تا به امروز طی کرده است لذا با شروع کشاورزی در روستاها و ایجاد قشر جدیدی به نام کشاورزان در طبقات اجتماعی جامعه ایران و دیگر جوامع، زندگی کشاورزی رونق گرفت و انسان ها با توجه به چگونگی رویش انواع گیاهان و خاصیت غذایی و دارویی آنها، همچنین در اختیار داشتن آب و خاک مناسب دریافتند که با کاشتن، پرورش و آبیاری، درختان و درختچه ها می توانند غذای خود را تامین کنند. بنابراین با وجود آمدن مزرعه ها و خانه ها در کنار یکدیگر به تدریج روستاها به وجود آمدند و کار سنگین کشاورزی که با مراقبت در مقابل خطرات و تهدیداتی چون آفات، امراض و حیوانات وحشی فقط با همیاری و همکاری تمام کشاورزان روستانشین امکان داشت این روش و کشت و کار در امور زراعی و باغی وابسته به ابزار و امکانات ساده حلال تمام مشکلات نبود اما یکی از اصلی ترین و مهمترین ویژگی این روش از کشاورزی استفاده از تجارب ارزشمند تاریخی کشاورزی بوده که از پیشینیان به ارث برده بودند، بود از آنجا که کشاورزی از دیرباز در ادوار تاریخی جوامع بشری در راستای ایجاد، توسعه و تکامل تمدن ها تاثیر بسزایی داشته است، لذا در ایران نیز بخش مهم و قابل توجه ای هم برای حکومت بود هم مردم. و تا

اواخر دوره قاجار به صورت سنتی فعالیت کشاورزی انجام می گرفت. حال در این رساله نیز بخش زراعت به تفصیل از آن سخن رفته است و راههای آموزشی آن را در فرانسه یادآور شده است.

«...اول مجلسی است که به چند نفر از مشیران زراعت مشتمل است و وزیر مذکور مشیران مزبور را خود معین نموده و در امور زراعت با ایشان مشورت می کند

دوم مدارس علمی زراعت است و در فرانسه نه مدرسه بزرگ در این علم می باشد با بیست و هفت مدرسه دیگر که علم و عمل با هم آموخته می شود

سوم مدارس بیطاری است و در فرانسه این گونه مدرسه سه بزرگ و چند کوچک می باشد»

شیوه تصحیح

نوشته ترجمه تنظیم وزارتخانه های فرانسه دارای خط نستعلیق خوش است به همین علت خواندن متن دشواری چندانی ندارد ولی در بعضی از موارد واژه ها به صورت غلط نوشته شده که آن را به صورت صحیح آورده و در زیر نویس شکل ابتدایی آن نوشته شده است، مانند کارگذار: کارگزار، تخویف: تخفیف

ها جمع در اکثر موارد متصل به کلمه نوشته شده بود که بر اساس رسم الخط فرهنگستان، جدا از کلمه پیش از خود نوشته شد: خانه ها، کارخانه ها، کارخانها: کارخانه ها.

بعضی از موارد که مربوط به متن است در حاشیه آمده است که با پرانتز مشخص شده است.

در اینجا لازماست از آقای علیرضا اباذری مسئول محترم کتابخانه تاریخ اسلام و ایران که یک بار متن را خواندند و نکاتی را یادآوری کردند سپاسگزاری کنیم.

سعیده سلطانی مقدم

شیرین احمدی

تبرستان
www.tabarestan.info

وزارت خانه های فرانسه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوه والسلام على خير خلقه محمد
و آله اجمعين. و بعد مكشوف می دارد که حسب فرمان بندگان
دربار عرش مدار شهریار زمان و پادشاه زمین ظل الله فی الارضین
سلطان السلاطین ناصرالدین شاه قاجار، که همیشه اعلامش منصور و
اعدایش مقهور باد در دارالترجمه که بناهای جدیدت الاحداث دولت
علیه ایران صانها الله عن الحدثانست را که در قوانین دولت قویه
فرانسه دو مصنف آگاه ورژه و لکن تصنیف نموده بودند، رضای
ریشار پاریسی ترجمه کرده. محمد حسن پاریسی بی آنکه رعایت
سجع کند و یا عبارات غیر مانوسه بکار برد به رشته تحریر کشید.
امید که مقبول طبع مشکل پسند خسروانه افتد.

والسلام

اختیارات پادشاه فرانسه

پوشیده مباد که در مملکت فرانسه در سه دایره حکم جاری می شود: اول پایتخت در جایی که امنای دولت می نشینند؛ دوم ولایات در جایی که حاکم نشین است؛ سیم دهات در جایی که کد خدا مقام دارد و باید دانست که دولت به هشتاد و شش ولایت و سیصد و شصت بلوک و سی و هفت هزار و صد و هشتاد و هفت، ده منقسم می شود و هشتاد و شش ولایت مذکوره به بیست و هفت عدالت خانه بزرگ و سیصد و شصت و سه عدالت خانه حد وسط و دو هزار و هشتصد و سی و سه عدالت خانه کوچک قسمت می پذیرند و ولایات مذکوره نسبت به حکومت نظامی منقسم به بیست قسم می شود و نسبت به حکومت دریائی منقسم به شش قسمت می گردد و نسبت به امور رودخانه ها و راه ها به چهارده قسمت منقسم می شود و نسبت به معادن به هجده قسمت انقسام می پذیرد و نسبت به گمرک به بیست و شش قسمت می گردد و نسبت به پیشه ها منقسم به سی و دو قسمت می گردد و نسبت به مدارس منقسم به بیست و شش قسمت می گردد و موافق قرارداد دولتی زمام مهمان فرمان روائی در کف کفایت پادشاه است و پادشاه بر عساکر بری و بحری حکمران است و هر منصبی که داده می شود و حکمی که صادر می گردد از پادشاه است و بدان که چون پادشاه را نمی توان در امور دولت مواخذه کرد، باید اشخاصی داشته باشد که امور دولت را به ایشان سپرده، هر وقت خبط و خطائی روی دهد از عهده برآیند و این اشخاص وزرائی هستند که در مرتبه اولند و امور

دولت را می پردازند. هر یک به کار مخصوصی باز داشته شده اند و هر حکمی که پادشاه صادر می فرماید تعلق به هر وزیری دارد آن وزیر به جای آورده اگر حکم مذکور نقصانی یا زیانی به هم رساند باید وزیر از عهده برآید.

و هر یک از وزرا با کارگزاران^۱ فروتن از خود تحت حکومت خویش مراسله نگاری و به ایشان حکم می کنند و از جانب دولت امور مملکت را می پردازند و در مخارج و مداخل دولت قرار می گذارند و باید تمام حساب مخارج و مداخل دولتی در دیوان خانه عرض شده، پس از آن در روزنامه چاپ شود و پادشاه مختار است که هر کس را بخواهد به وزارت نصب کند و هر کس را بخواهد عزل نماید و در اموری که می توان وزرا را مواخذه کرد باید خود به نفس نفیس از عهده برآیند؛ یعنی یا باید جوابی با صواب گویند و یا تنبیه شوند. اما اموری که در هر یک وزرا مواخذه می شوند از این قرار است: اول آن که از ایشان نسبت به پادشاه و عیال او خطائی سر زده باشد؛ و دوم آن که مخالف قواعد دولت حکمی کرده باشند؛ و سوم آنکه بر رعایا مالیاتی نهند که خلاف انصاف باشد؛ و چهارم آنکه از اندوخته مملکت چیزی را برای خود اخذ نمایند؛ و پنجم آن که خود را حکمران دیده حکمی^۷ کنند که خلاف انصاف باشد.

وزیران فرانسه و وظایف آنها

باری اکنون در فرانسه ده وزیر می باشند که امور دولت بسته به تدابیر ایشان است :

اول: وزیر عدلیه و دینیه.

دوم: وزیر امور خارجه.

سوم: وزیر مدارس.

چهارم: وزیر داخله.

پنجم: وزیر تجارت و زراعت.

ششم: وزیر معماری های دولتی.

هفتم: وزیر لشکر.

هشتم: وزیر درباری.

نهم: وزیر استیفا.

دهم: رئیس وزرا که کار مخصوصی ندارد و کسانی که خدمت گزاران^۱ دولتند و در تحت اطاعت این ده وزیر می باشند و غیر اهل نظامند و همیشه در سفر و حضر باید به امور دولت مشغول باشند و نهایت سعی را به جای آورده و دولت را یاری کنند و محافظت نمایند قریب به دویست و پنجاه هزار نفر می باشند و فی المثل کسانی که از این دویست و پنجاه هزار نفر آنها که به امور دولت رسیدگی می کنند، پنجاه و هفت نفرند و کسانی که در عدالت خانه کار گزارند صد و پانزده نفرند و کسانی که امور مدارس و

تعلیم خانه ها را انجام می دهند، صد و بیست و دو نفر می باشند و اشخاصی که رسیدگی به امور خارجه می کنند، هشتصد و پانزده نفرند و آنها که امور داخله را از دست نمی دهند، دویست و بیست و چهار نفرند و آنها که به کارهای متعلقه به زراعت و تجارت مشغولند، صد و هشتاد نفرند و کسانی که معماری های مملکت در عهده ایشان است، صد و چهل و دو نفرند و اشخاصی که به محاسبات می رسند، نه صد و نود نفر می باشند. بالجمله کسانی که مشغول تعلیم و تعلم می باشند صغیرا و کبیرا چهل هزار نفرند و اشخاصی که در دول خارجه از جانب سنی الجوانب پادشاه به سفارت مامورند ده ایلچی و بیست و یک وزیر مختار و سی و سه نایب اول و پنجاه و یک نایب دوم به غیر قونسول ها و مترجمین و غیرهم می باشند و برای پرداختن امور داخله مملکت هشتاد و شش حاکم کل و هفت دفتردار بزرگ و دویست و هفتاد و هشت حاکم حاکم جزو و سیصد و بیست و هشت مشیر الحکومه و سی و هفت هزار کدخدا هستند و سیصد و هفتاد نفر به امور تجارت و زراعت و صناعت رسیدگی می کنند و برای کارهای متعلقه به معادن و معماری ها هفتصد و هفتاد و نه نفر مهندسین صاحبان مناصب مختلفه می باشند و در زیر اطاعت مهندسین مذکوره هفتصد و شصت نفر دیگر می باشند و قریب به هشتاد هزار نفر در امور محاسبات، چه در گرفتن مالیات و چه در امور چاپارخانه و چه در کارهای ضراب خانه اشتغال دارند و

مخارج این اشخاص مختلفه صد و هفتاد ملیان فران است که قریب به سی کرور تومان باشد و از کارهائی که در عهده کارگزاران^۱ دولت است و بیشتر از برای مملکت فایده دارد، ساختن راههاست که مراوده مردم را اعم از این که بحری باشد یا بری آسان می نماید و بدانکه راه به جاده های بزرگ و کوچک منقسم می شود و جاده های بزرگ، جاده هائی است که از ولایتی به ولایتی یا از سواداعظمی به سواد اعظمی و یا به سرحدات می روند و جاده های کوچک، جاده هایی است که از قصبه به قصبه و از دهکده به دهکده می روند؛ بلکه در شهر از محله به محله و یک قسم راه است که به بردن لشکر و قورخانه و توپخانه و آذوقه و اسلحه در هنگام جنگ اختصاص دارد و در این زمان تازه راهی اختراع شده است که راه آهن باشد (ظاهر است هر مملکتی تا راهی که متداول است نسازد به خیال ساختن راه آهن نمی افتد)^۲ و ساختن این گونه راه به قدرت و مکنت و دولت توقف دارد و آنچه باید در ساختن راه ملاحظه کنند استقامت و وسعت جاده با بودن در دو طرف جاده جوی کوچک و درختان است و منفعت راه ساخته این است که از مملکتی به مملکتی و از ولایتی به ولایتی و از شهری به شهری و از بلوکی به بلوکی و از دهکده به دهکده هر نوع محصولات از زراعت و صناعت و تجارت به آسانی برده می شود و پس از ساختن راه، باید به کارهای متعلقه به آب که یکی از عناصر است و مایه زندگانی انسان می باشد

۱- کارگزاران

۲ در حاشیه آمده است.

بپردازند و پوشیده نیست که؛ اگر چه آب از برای زندگانی انسان و حیوان و پاکیزگی ایشان و سلامتی هوا و فراوانی محصولات زراعت و صنعت و با کشتی بردن مردم و اجناس را از جایی به جایی بسیار واجب است، ولی می تواند گاهی ضایع بشود و گاهی موجب خطر گردد. اول که ضایع شود هنگامی است که گندیده گردد و علت ناخوشی شود و ثانی که موجب خطر می گردد اوقاتی است که طغیان کرده به بلاد و دهات خرابی رساند امور متعلقه به آب که در فرانسه در مرتبه دوم است در ایران در مرتبه اول می باشد؛ چه جمیع زراعت و کارهایی که دولت منفعت می برد به واسطه آب است و در ایران امر آب چنان کار بزرگی است که به جای وزیرالبحر فرانسه وزیرالماء می خواهد و اگر چنین شود آب دزدی و دعوایی که در سر آب می شود موقوف می گردد و گویا در قدیم شخص بزرگی میرآب بوده است که الان هر فعله بیل بر دست می گیرد میرآب می گویند. پس یک نوع حکومت مخصوصه به آب واجب است اعم از این که در کنار دریا و یا دریاچه و یا رودخانه و یا مرداب باشد.

معادن و معماری کشور فرانسه

پس از این باید نظر به حال معادن کنند و در مملکت فرانسه چیزی که از معادن بیشتر به دست می آید آهن و ذغال سنگ و سنگ برای ساختن عمارت میباشد و بر کسانی که در املاک ایشان این گونه معادن می باشد و تصاحب نموده اند برای منفعت دولت واجب و لازم است که کار کنند و یا به کسانی که کار می کنند سپرده شوند و پس از این باید در معماری های دولتی اقدام کنند. از قبیل: ساختن

راهها و پلها و قلعه جات و عمارات و غیرهم و مملکت فرانسه را منقسم به هشتاد و شش ولایت کرده هر جا حاکمی نشانیده اند و مخارجی که در عهده هر یک از آن ولایات می باشد به این تفصیل است: ساختن عمارات حاکم و نایب الحکومه و عمارات عدالت خانه و زندان خانه ها و مریض خانه ها و معابد و عمارات کشیش نشین و ساختن جاده ها و غیرهم و اما مدخلی که مخصوص این مخارج است اجاره دادن املاک دولتی است به رعایا و گرفتن باج پل هائی که از پول دولت ساخته شده اند و غیره و عزل و نصب حاکم هر ولایتی به اختیار پادشاه است.

وظایف و اختیارات حاکم

و هر حاکمی قبل از رفتن به مقرر حکومت خود باید با پادشاه یا کسی را که پادشاه معین فرموده، سوگند و فایاد نماید و حاکم باید در هر جایی که حکومت آن را به او وا گذاشته منزل داشته باشد، مگر وقتی که از دولت اذن گرفته به جای خود نایب اول با مشیر الحکومت بنشانند و حاکم در ولایتی که به او سپرده می شود نسبت به رعیت وکیل دولت است و نسبت به دولت وکیل رعیت و تنها حاکم صاحب اختیار ولایتی است (یعنی حاکم باید امر دولت را نسبت به رعیت انجام دهد و کار رعیت را نسبت به دولت به اتمام آورد) که بر آن ولایت حاکم است و حاکم باید هر نوع حکم و

فرمانی که از دولت صادر می شود به رعیت برساند و هر مطلب و عرضی که رعیت دارد به دولت عرض کند.

و بدان که حاکم به وزیر داخله اطاعت دارد و چاکران دیوانی غیر از اهل نظام و عدالت خانه در تحت اطاعت حاکم می باشند، ولی می تواند هر مرافعه را حاکم کند که به عدالت خانه رفته انجام دهند و نیز هر گاه لازم باشد می تواند برای حکومت خود از اهل نظام کمک بخواهد و افواج رعیتی را که گزْدُ نَسِیْنُل می نامند در اطاعت حاکم داشته اند و تعیین کردن امور وکلای رعایا و گرفتن سربازان جدید و اخذ مالیات دیوانی به صوابدید حاکم است و حاکم باید به راهها و زندان خانه ها و عدالت خانه ها و گرفتن مالیات و مخارج ولایتی خود رسیدگی کند و به غیر از آنچه ذکر شد، تکالیف دیگر که در عهده حاکم است به این تفصیل است که: اول به نوکران فروتر از خود معانی هر یک از احکام دولت را که می خواهد جاری کند بیان نماید؛ دوم آن که هر حکمی را به اقتضای وقت انجام دهد؛ و سوم آنکه هر وقت لازم شود در انجام حکم ابرام نماید؛ و چهارم آنکه پس از جاری کردن حکم و انجام دادن کارگزاران^۱ او از چگونگی انجام دادن جویا شود و به عرض کسانی که بر ایشان حکم می کنند، رسیدگی نماید؛ پنجم آن که بر حسب منفعت دولت عرایض ایشان را یا قبول کند و یا رد نماید؛ ششم آن که از چاکران دیوانی کسانی که از او فروترند هر گاه عمل قبیحی دیده شود مؤاخذه^۲ کند؛ و هفتم آن که هر کاری که

۱- کارگزاران.

۲ در نسخه ماخذ نوشته شده است.

مخالف فرمان پادشاه و منافی حکومت اوست ممانعت نماید؛ و هشتم آن که به دادخواهی رعایا برسد؛ و نهم آن که چاکران غیرقابل و بیکاره را موافق عدل مملکت تنبیه نماید و حکم حاکم را تعلیقه می گویند و حاکم اگر حکمی را جاری کرده بر او خطایی بیند می تواند تغییر دهد و بدان که هر حکمی را حاکم صادر کند و وزرا مصلحت ندانند می توانند تغییر دهند و هر عملی را که حاکم در حکومت خود متعرض می شود باید در دولت از عهده برآید و حاکم به تنهایی می تواند حکم خود را جاری کند ولی هر وقت بخواهد از مشیران حکومت مصلحت می نماید و مشیران مذکوره سی نفر از بزرگان ولایت می باشند که نه ساله تعیین می شوند و در هر سه سال ده نفر از ایشان را عزل کرده، ده نفر دیگر به جای ایشان نصب می نمایند و شرط کسانی را که مشیر می کنند، این است که اولاً بیست و پنج ساله باشد و ثانیاً اقل از بیست تومان مالیات ملکی داشته باشند و ایشان را رعایا خود معین می کنند و اشخاصی که از مشیری مستخلص و متحمل این بار نمی شوند کسانی هستند: که اولاً در آن ولایت از جانب دولت شغل و منصبی داشته باشند؛ و ثانیاً آن که از تحویل داران مالیات دیوانی باشند؛ و ثالثاً آن که از مهندسين و معماران و یا از اهل دفترخانه حاکم باشند و بر مشیران است که هر ساله تقسیم مالیات کنند و اگر صلاح بدانند کم و زیاد نمایند و به مخارجی که حاکم برای ولایت می کند رسیدگی نمایند و می توانند بلا واسطه امور ولایت خود را به وزیر داخله عرض کنند و چون وکلای ولایتند باید منفعت ولایت خود را مناسب املاک و موافق

انصاف ملاحظه کنند و آن چه در معماری ها و راه ها و غیرها در ولایت ایشان خرج می شود، باید به صلاح و صواب دید ایشان باشد و صلاح و صواب دید ایشان معروض پادشاه و وزیر داخله گشته بدون آنکه تغییر دهند یا مقبول میشود و یا مردود می گردد و مشیران مذکور را هر قراری که جز در مجلس خاصه ایشان مقررشود فایده ندارد و پادشاه مختار است که هر وقت بخواهد مشیران را معزول نماید و حکومت کلیه ولایات بچند حکومت جزئیه منقسم می شود. مثلا آنکه در بلوک حاکمی تعیین می شود و آنها که در بلوکات حاکم می شوند نایب الحکومه میباشند و نایب الحکومه در میان حاکم و کدخدایان دهات واسطه می باشند و نایب الحکومه نیز مشیرانی چند دارد که رعایا تعیین می نمایند و مدت مشیری ایشان نه سال است و در هر سالی نصف ایشان را تبدیل می دهند و مشیران بلوک مطابق حکم مشیران حاکم کل قرار در مالیات می گذارند و رعایایی که تخفیف در مالیات خود بخواهند (مقصود اصلی در تعیین کردن وکلای رعیتی را برای رسانیدن عرایض رعایا را به دولت این است که بعضی از رعایا به جهت طول مسافت و عدم بضاعت و ملاحظه کردن مخارجی را که باید از عهده برآیند راضی به ظلم حکام شده از عیال خود جدا نمی شوند و نیز اندیشه دارند که شاید بعد از طی مسافت از برای ایشان ضرر دیگر پیدا شود و هر رعیتی نمی توانند از عهده چنین کارها برآمده عرض خود را به دولت برسانند.)^۱ هر گاه مصلحت بدانند عرایض ایشان به دولت می رسانند و نیز آنچه از

^۱ در حاشیه آمده است.

برای راه‌ها و کشتیبانی مصلحت می‌دانند به دولت معروض می‌دارند و نیز نمی‌توانند آنچه از برای ولایت خود لازم بینند به حاکم رسانند و هر دهکده نسبت به حکومت خود قرارداد مخصوصی دارد و در دست یک کدخدا و یک نایب کدخدا و دوازده مشیر می‌باشند و هریک از دهات املاک مخصوصه دارد که باید مورد توجه داشت مثل کلیسا و کوچه‌ها و میدان‌ها و جاده‌ها و عمارت کدخدا یا املاک دیگر که به اجاره می‌روند مانند بیشه و مزرع و مرتع املاکی که به دهکده اختصاص دارد از دو حال بیرون نیست به اجاره می‌رود و یا مصلحت اهل ده در میان ایشان نه به حسب شأن بلکه به اندازه خانوار منقسم می‌شود و مداخلی که از دهکده حاصل می‌گردد و به مخارج دهکده می‌رود از این قبیل اند.

درآمد و مخارج دهکده

اول جزوی مالیاتی است که وزیر محاسبات علاوه بر مالیات دیوانی برای مخارج دهکده معین کرده است؛

و دوم بعضی باج‌ها که بر چیزهای خود رعایا می‌گذارند؛

و سوم وجه اجاره انبارها و بازارها در روزهای مکاره؛

و چهارم آنچه از فروختن آب و سرگین حاصل می‌شود؛

و پنجم جرایم و جنایات‌هایی که می‌گیرند؛

و ششم چوب‌هایی که از بیشه‌ها فرا گرفته می‌فروشند. باری

چیزهایی دیگر هست که ذکرش موجب تطویل می‌شود و مخارج

دهکده از این قبیل است. مثل تعمیر عمارت کدخدا و کاغذ دفتر

کدخدا و مواجب تحویل داران مالیات دیوانی و مواجب دشتبان و

مواجب محتسب و اخراجات افواج رعیتی و اخراجات مکتب خانه و زیادتی مخارجی را که کلیسا و کشیش خانه پیش از آنچه دولت می دهد به هم می رساند و سنگ فرش کوچه ها و میدان ها و غیرها و این مداخل و مخارج با قبض و برات کدخدا انجام می گیرد و کدخدا باید در آخر سال حساب مخارج خود را به عرض حاکم ولایت برساند و اگر چنانچه مداخل دهکده کمتر از ده هزار تومان باشد حاکم ولایت مختار است که با مخارج سنجیده صحه گذارد و اگر چنانچه بیشتر باشد، احتیاج به صحه وزیر داخله دارد و هر چه را اهل ده بخواهند به واسطه کدخدا بخرند و هر وقت بیش از سیصد تومان نباشد به صحه حاکم رسیده انجام می گیرد و اگر چنانچه بیشتر باشد باید به صحه وزیر داخله برسد و هر وقت در دهکده املاک خالصه باشد و دولت در فروش آن مصلحت بداند باید حراج کنند و اگر احیانا املاک مذکوره را اجاره دهند و مدت اجاره بیشتر از هیجده سال نباشد صحه حاکم کفایت می کند و هر گاه بیشتر باشد به صحه وزیر داخله می رسد، ولی باید دانست که در هر صورت املاک مذکور را کدخدا به طور حراج اجاره می دهد و اگر اهل دهکده بخواهند از برای دهکده بنائی کنند که بیشتر از سه هزار تومان بیشتر مخارج نداشته باشد به صحه حاکم پرداخته می شود و اگر از سه هزار تومان بیشتر باشد به صحه وزیر داخله ساخته می گردد و در واقعه که اهل دهکده را به اهل دهکده دیگر روی دهد کدخدا و نایب کدخدا که امور دهکده مفوض به ایشان است وکالت دارند که تمام کنند و آن کسانی را که اهل دهکده به کدخدایی و نیابت کدخدا

انتخاب می کنند، اگر اهل دهکده بیشتر از سه هزار نفر نباشند به
 صحنه حاکم ولایت قبول می شوند و اگر چنانچه بیشتر باشد باید به
 صحنه وزیر داخله برسند و نایب کدخدا به اندازه اهل ده تعیین
 می شود. یعنی اگر اهل دهکده دو هزار و پانصد نفر باشند یک نایب
 کفایت می کند و از دو هزار و پانصد تا ده هزار هر قدر باشند دو نایب
 می خواهند و هر قدر بیشتر از بیست هزار باشند بر هر بیست هزار یک
 نایب می گمارند و فایده نایب کدخدا این است که هر وقت کدخدا
 حضور نداشته باشد کارهایی که متصدی بوده او متعرض شود و
 اشخاصی که نمی توانند کدخدا و نایب کدخدا باشند مانند قاضیان و
 کسانی هستند که در عدالت خانه می باشند و یا آنکه در ملتی ریاست
 دینی دارند و یا آنکه اهل نظام و حاضر رکاب می باشند و یا آنکه
 مهندسین دولتی و تحویل داران مالیات دیوانی و معلمین و مدارس
 و محتسبین باشند. باری هر کس که در حکومت حاکم و
 نایب الحکومه خدمت گزار^۱ است نیز نمی توان کدخدا و نایب
 کدخدا کرد و هر قصبه که پنج هزار رعیت داشته باشد یک محتسب
 دارد و اگر چنانچه بیش از ده هزار نفر داشته باشد هر ده هزار نفر یک
 محتسب دارد و در شهرهایی که صد هزار نفر یا بیشتر جمعیت
 داشته باشد یک نفر در عمل احتساب ریاست دارد و سایر محتسبان
 به او سپرده شده اند و کاری که مخصوص محتسبین می باشد، این
 است که شهر را از دزد محفوظ دارند و بعضی مردم را از حرکات

زشت منع کنند و خانه ها و کوچه ها و محل ها را از کثافت پاک نمایند و نگذارند چیزی مانع عبور و مرور خلق شود و به مردم تذکره می دهند و جاهائی که زنان زانیه می باشند و در زیر حمایت دولتند منتظم دارند و عمارات دولتی را متوجه شده، نگذارند کسی خرابی رساند. مخفی مباد که کدخدا پاسبانی مزارع و مراتع و بیشه را بیک نفر دشتبان که خود معین می کند وا می گذارد و تکلیف کدخدا محتسبیده کده می باشد و اگر بتواند جزئی نزعی که در ما بین رعایا روی می دهد، بی آنکه به مرافعه و محاکمه انجامد به اصلاح می آورد و نیز کدخدا باید در دهکده هر کس عروسی می کند و یا می میرد و یا تولد می شود در دفتر دولتی خود ضبط نماید و هر وقت لازم شود می تواند سربازان را به کمک خود بخواند و نیز باید هر حکمی که از دولت صادر می شود و حاکم ولایت به او می رساند رعایا اعلام نماید. هر چه به امور دهکده متعلق باشد از مخارج و مداخل باید از عهده برآید و بدان که مواجب هر وزیر سالی هشت هزار تومان می باشد. مگر وزیر لشکر که دو هزار تومان علاوه دارد با وزیر امور خارجه که چهار هزار تومان علاحه می گیرد و این دو هزار تومان و چهار هزار تومان که باین دو نفر داده می شود، به جهت مخارج مهمانی می باشد ولی به جمیع وزرا آتش و چراغ و اسباب خانه و عمارات و رخوت خدام و کاغذ و قلم و بعضی چیزهای دیگر از دولت داده می شود.

ویژگی ها و مشخصات وزارتخانه ها در فرانسه

و در هر وزارتخانه یک کتابخانه مخصوصه با روزنامه که در دولت چاپ می کنند و یک کتاب خاصه آن وزارتخانه می باشند و هر یک از وزرا مهری علاحده دارند که بر پاکت مراسلات می زنند و باید در هر وزارتخانه آنچه مکاتبات و مراسلات که نوشته می شود و یا به آنجا می نویسند نگاه داشته شود.

تبرستان

www.tabarestan.info

وظایف وزیر عدلیه

و آنچه متعلق به امور وزیر عدلیه و دینیه می باشد به این تفصیل است:

اول آن که در دفترخانه وزیر مذکور دو دفتر دار خاصه می باشد یکی برای امور عدلیه و یکی برای امور دینیه؛

دوم آنکه صد و سه نفر در امور عدلیه مداخله می کنند و منقسم به اقسام چند می شوند؛

و در قسمت اول یک نفر منشی باشی می باشد؛

و در قسمت دوم چهار رئیس دفتر است.

که یکی برای ضبط اسامی کسانی است که در وزارت عدلیه مداخله می کنند،

و یکی برای نوشتن عرایض مردم است با منصب مهرداری،

و یکی دیگر برای رسیدگی کردن به احکامی است که در عدالتخانه در تنبیه صادر می کردند و هم برای اعلام کردن عفو پادشاه است،

و یکی دیگر برای نگارش محاسبات خدمت گذاران وزیر عدلیه و مواجب ایشان می باشد و باید دانست که منشیان و دفتر دارانی که در تحت اطاعت این چهار دفتر دار می باشند، بیست و هفت نفرند و مخارج سالیانه این صد و سه نفر قریب به پنجاه و هشت هزار تومان میباشد و آن دفتردار خاصه که برای امور دینیه میباشد، پنجاه و شش نفر در اطاعت او هستند که از آن پنجاه و شش نفر یکی رئیس دفتر است و چهار تا نایبان وزیر دفتر و چهار تا منشی باشی و مخارج این پنجاه و شش نفر قریب بیست و پنج هزار تومان میباشد و کارهایی که در عهده منشی باشی امور عدلیه می باشند، از این قرار است: به کار بازداشتن کسانی که در وزارت عدلیه کار گزارند و صحنه گذاشتن به قبالة جات و احکام مرافعه جات و نگاه داشتن اصل فرامین و احکام دولتی را با مصلحت بینی های مشیران و کتابچه کردن جمیع احکام دولتی را و تکالیف رئیس ضبط اسامی به این تفصیل است: ثبت کردن اسامی و حساب مواجب قاضیان و عدالت خانه های مختلفه را با محتسبین و عزل و نصب کردن صاحب منصبان غیر نظامی و تکالیف رئیس نوشتن عرایض مردم این است که احکام صادره از عدالت خانه ها که به اشخاص غایبه متعلق می باشند ایشان را اعلام کند و اگر احتیاج به عدالت خانه جدید شود بر پا کند و مردم را از حکمی که در عدالت خانه صادر می شود، اخبار نماید و اهل خارجه را به رعیتی فرانسه قبول کند و نیز کسانی را که رعیت فرانسه بوده اند و خارج شده اند چون دوباره بخواهند به رعیتی فرانسه در آیند بپذیرد و کسانی را که از اهل فرانسه باشند و بخواهند در دولت دیگر

نوکر شوند اذن دهد. در فرانسه رسم است که مرد به سن هجده نرسد زن نمی گیرد و زن تا به سن شانزده نمی رسد شوهر نمی کند و کسانی را که هنوز به سنی که برای عروسی کردن ایشان مقرر است نرسیده اند و به اقتضای مصلحتی بخواهند عروسی کنند اذن دهد و نیز به کسانی که بخواهند بر خود اسمی نهند و یا اسم خود را تغییر دهند رخصت دهد و احکام و فرامین منسوبه به این وزرات را مهر کند و تکالیف رئیسی که به احکام صادره از عدالت خانه که مخصوصه تنبیه است باید رسیدگی نماید. این است که خود در مرافعه هر گناه کننده و خطاکاری دخیل شود و به مرافعه جات عدالت خانه ها برسد و احکام عدالت خانه ها را انجام دهد و قاضیان را عزل و نصب کند و به مرافعه جات چاکران دیوانی رسیدگی نماید و فهرست مرافعه جات عدالت خانه ها را نگاه دارد و حساب مخارج عدالت خانه ها را ضبط نماید و هر گاه پادشاه گناهکاری را ببخشد و یا در تنبیهش تخفیفی دهد گنهکار برساند و مرافعه را از عدالت خانه به عدالت خانه دیگر برد. مثلاً از عدالت خانه اول به دوم و از دوم به سیم و به همچنین، بالجمله فهرست مرافعه جات و تنبیهات دول خارجه را یعنی این که دول خارجه چه قسم مرافعه می کنند و تنبیه می نمایند نگاه دارد. در فرانسه هر کس را که موجب دارد و یا صاحب مکنت است وظیفه نمی دهند و خدمات رئیسی که برای محاسبه موجب چاکران وزیر عدلیه می باشند این است که: روزنامه های حکام ولایت را بازدید نماید و به مخارج جزئیه عدالت خانه ها رسیدگی نماید و موجب اشخاص مختلفه را که در آن وزارت خانه خدمت می کنند

بپردازد و به قاضیانی که پیر گشته‌اند و زنانی که بیوه شده‌اند و یا اطفال ایشان را وظیفه دهد. گویا در ایران به جهت اینکه چون زنان فقیره می‌خواهند به قبرستان بر سر قبرهای مردگان خود بروند دروازه بانان راهداری می‌خواهند تا امکان دارد مردگان خود را از شهر بیرون نمی‌برند. القصه باید به عدالت خانه متفوقه رسیدگی کند و هر کاری را چنان که باید و شاید انجام دهد و کارهایی که در عهده دفتردار خاصه دینیّه و مطیعان او می‌باشند به این تفصیل است: نگاه داشتن سواد نوشته جات و احکامی را که نسبت به دین از دولت یا پاپ به بزرگان و پیشوایان صادر می‌شوند و منصب دادن به کشیشان بزرگ از هر مرتبه با انجام دادن امور موجب ایشان را و اذن دادن به کسانی که بخواهند چیزی وقف کلیسا کنند و نگاهداری کردن فهرست مدارس با اسامی کشیشان و رسیدگی کردن به عرایض کسانی که از حرکات زشت کشیشان شاکی شده‌اند و بشکستن قدغنی را که دولت در خاک نکردن مردگان را در کلیسا و قبرستان شهرها کرده است و تعمیر نمودن یا بنا کردن کلیسا و مدارس دینی را و نگاه داشتن محاسبات متعلقه به موجب کشیشان را.

وظایف وزیر امور خارجه

و آنچه متعلق به وزیر امور خارجه می‌باشد به این تفصیل است.

بدان که این وزارت منقسم به چهار دفترخانه می‌شود:

اول به جهت پرداختن به امور دول خارجه؛

دوم به جهت رسیدگی کردن به کارهای تجارتی؛

سوم به جهت نگاه داشتن عهدنامه‌ها و سایر نوشته جات دولتی را؛

چهارم به جهت اخراجات و محاسبات متعلقه به این وزارت را. مخفی مباد که کارپردازان در وزارت امور خارجه هشتاد نفر می باشند و از ایشان چهار نفر رئیس دفتر است با شش نایب و هفت منشی باشی و مخارج این اشخاص قریب به هشتاد هزار تومان می باشد و در دفتر خانه وزیر امور خارجه یک دفتردار خاصه می باشد و باید دانست که در آن دفتر خانه که به جهت پرداختن امور دول خارجه می باشد یک دفتر دار با دو نایب است و در دفترخانه که بجهت رسیدگی کردن به کارهای تجارتي است یک دفتر دار و دو نایب است و نیز یک دفترخانه علیحده بر پا کرده اند که اختصاص به امور ینگی و هندوستان دارد و باید در این دفترخانه جمیع نوشته جات امور دول را با تجارتي که به هندوستان و چین و ینگی دنیای شمالی و ینگی- دنیای جنوبی و ممالک افریقا غیر از ممالک عثمانلو و مرک نسبت دارد انجام دهند.

و در دفترخانه که به جهت نگاه داشتن عهدنامه ها و سایر نوشته جات دولتی است اموری را که باید به اتمام آورند به این ترتیب است: نگاه داشتن و مرتب ساختن جمیع نوشته جات سفرا را نسبت به سفارت خانه و جمع کردن عهدنامه ها را با سایر نوشته جات دولتی و تذکره دادن به اهالی سفارت خانه و صحه گذاردن و نوشته جات دولتی را و رسیدگی کردن به عرایض مختلفه که مردم در آن سفارت خانه دارند و رسانیدن عهدنامه ها و شرایط دول خارجه را به سفرا و انجام دادن تشریفات و تکلفات سفرا را چه در داخله و چه در

خارجو عرض کردن به امپراطور که فلان سفیر استدعای حضور دارد.

و در دفترخانه که به جهت پرداختن اخراجات و محاسبات متعلقه به این وزارت می باشد کارهائی که ساخته و پرداخته می شوند به این تفصیل است: انجام دادن اموری را که به مخارج و مداخل وزارت امور خارجه متعلقند و معین کردن مخارج و مواجب اهالی سفارت و غیرها را و آنچه متعلق به وزیر مدارس می باشد به این تفصیل است.

وظایف وزیر مدارس

نگاه داشتن روزنامه های مجالس مشیران مدارس را و قبول یا رد کردن در ضبط کتابخانه دولتی کتابی را که تازه چاپ کرده اند و معین نمودن معلمین بزرگ یا کوچک را در مدارس مختلفه و رسیدگی کردن به درس و نظم مدارس و اجازه دادن به شاگردان که استاد شده اند و اذن دادن به کسی که بخواهد مدرسه بسازد و یا طبابت کند معین کردن مخارج مدارس را با مواجب معلمین و غیرها و تعیین نمودن شاگردان چند را که امتحان شده به ایشان اجازه استادی داده شود و وظیفه بخشیدن به معلمینی که پیر شده اند و تعمیر یا بنا کردن مدارس و مکتب خانه های چند را برای پسران و دختران و معین کردن ناظران مدارس را و مقرر داشتن مخارج مدارس و مکتب خانه ها را و ضبط کردن فهرست اسامی کسانی را که در بلده و بلوک به تعلیم اطفال اشتغال دارند و انجام دادن امور مربوطه به کتابخانه های بزرگ یا کوچک و تعیین نمودن مخارج کتابخانه ها و دانایانی را که برای تحصیل علوم مختلفه در دول

خارجہ سیاحت می کنند و معین کردن مخارج اشخاصی را که در دول خارجہ بعضی چیزهای متعلقہ بہ علوم را استکتاب می نمایند.

وظایف وزیر داخلہ

و آنچه متعلق بہ وزیر داخلہ می باشد این است:

و در این وزارت خانہ بہ غیر دفترهای مخصوصہ وزیر داخلہ و نایب او ہفت دفترخانہ دیگر می باشد و ہر دفترخانہ یک رئیس دارد و یک خزینہ دار و بیست و شش منشی باشی کہ سی و شش منشی در تحت اطاعت ایشان می باشند با صد و پنج محرر و موجب این اشخاص قریب بہ ہشتاد ہزار تومان است و علاوہ بر این قریب پنج ہزار تومان بہ جہت ایشیک آقاسیان و خدام دفترخانہ‌های این وزارت مقرر کردہ اند و قریب بہ سی ہزار تومان دیگر برای فراہم آوردن اسباب دفترخانہ‌ها با دہ ہزار تومان برای انعامدادن بہ چاکران قدیمہ معین کردہ اند و در دفترخانہ وزیر داخلہ و نایب او عزل و نصب ولایات و نایبان و مشیران ایشان انجام می گیرد و بہ کسانی کہ کارهای نیکو کردہ اند احسان می شود و نشان بخشیدہ می گردد و معین می شود کہ روسا و اطبا بہ کسانی کہ باید بہ مریض خانہ‌ها یا جایگاہ کورانوکران و مفلوجین بروند اذن دهند و مخفی مباد کہ در این وزارت خانہ کارهای متعلقہ بہ رئیس دفتر خانہ اول این است کہ تعیین کردن وکلای رعیتی را در دیوان خانہ انجام دہد و مشخص نمودن مشیران خاصہ را با مشیران ولایات بہ اتمام آورد و اوقات نشست و برخواست اشخاص مذکور را در مجالسی کہ باید بہ کارهای مرجوعہ خود برسند معین نماید و بہ امور کدخدایان و

نایب‌کدخدا رسیدگی کند و مواجب کسانی را که به این وزارتخانه منسوبند مشخص نماید و فهرست مخارج اسباب و عمارات دفترخانه های حکام ولایات را نگاهدارد و امور افواج رعیتی را ساخته و پرداخته نماید و شمار خلق مملکت را معین نماید و هر وقت مقتضی باشد خدام این وزارتخانه را معزول کند و مخارج کسانی را که در این وزارت می باشند، ثبت کند و نشان *لِوَنان* دُئزرا برای افواج رعیتی مشخص کند و کارهای متعلقه به رئیس دفترخانه دوم از این قرار است: تعیین کردن محتسبین هر ولایت را با کارهایی که در عهده ایشان است و تذکره دادن به کسانی که به خارجه می روند و انجام دادن امور سوارانی را که در فرانسه ژاندارم و در ایران غلام می گویند و برای پاسبانی مملکت معین می کنند و اذن دادن به کسانی که بخواهند اسلحه بپوشند و یاری کردن اشخاصی را که از اهالی خارجه بوده اند و یاغی شده به فرانسه آمده اند و مرخص کردن چاکران قدیمه دولت را که در خارجه توقف کنند و کارهای متعلقه به رئیس دفترخانه سیم به این تفصیل است: نگاهداشتن نوشته جات دولتی و ولایتی و رسانیدن احکام مملکتی را و رسیدگی کردن به امور مشیران حکام و انجام دادن امور جاده ها و راه ها و پل ها را و بنایا و تعمیر نمودن در هر ولایتی عمارات دولتی را غیر از زندان خانهاو سرکشی نمودن به کار معماران و معین کردن مخارج ولایات را با مالیات دیوانی و کارهای متعلق به دفترخانه چهارم از این قرار است: پرداختن امور دهکده را نسبت به کدخدایان و معین کردن اوزان و مقادیر را و اذن دادن خرید و فروش املاک خالصه را و معین نمودن

کارها و بناهای منسوبه به دهات را و برقرار کردن قبرستان های تازه و صحه گذاردن مخارج افواجی را که در ساخلو می باشند و نگاه داشتن محاسبات مداخل و مخارج دهات را و معین کردن مالیات دیوانی را و اجاره دادن املاک خالصه را و حکم کردن به فروش بعضی املاک به جهت استقامت یا وسعت جاده و مشخص نمودن مالیات مخصوصی را به جهت فرش کوچه ها و راه ها و به انجام رسانیدن استقامت کوچه های پاریس و سایر شهرها را و پرداختن اموری را که مدخلیت به پروردن کودکانی دارد که آورده بر سر راه می اندازند؛ یعنی اطفال را آورده در خانه مخصوصی که دولت برای این گونه کودکان ساخته است می گذارند و منتظم داشتن مهمان خانه های مساکین را با تدابیر دیگر در دفع گدایی و رسیدگی کردن به مریض خانه ها و مُنت بیتها. منت بیتها جایی است که دولت در هر شهری به جهت این بنا کرده است که رعیت هر وقت بخواهد اسبابی را گرو گذارده پول بگیرد در آنجا بگذارد، در حالتی که از او نفع کم می گیرند و چون موعد سرآمد و اتفاقا پولی را که رعیت به قرض گرفته اند و آنچه به گرو گذاشته حراج می کنند و پول خود را برداشته زیادتی را به صاحبش می دهند و منفعتی را که دولت از آنجا می برد به مریض خانه ها واگذارده است.

کارهای متعلق به رئیس دفترخانه پنجم

و کارهای متعلقه رئیس دفترخانه پنجم به این تفصیل می باشد:
رسیدگی کردن به زندان خانه ها و نظم و قاعده زندانیان در زندان خانه های مختلفه و سرکشی نمودن به زندان خانه ها و متحمل

شدن مخارج زندان‌خانه‌ها را با نگاه داشتن حساب مخارج زندان‌خانه‌ها در فرانسه جمیع زندان‌خانه‌ها چه بزرگ و چه کوچک باشد دولتی است و کسی نمی‌تواند کسی را به زندان‌خانه فرستاد یا از زندان‌خانه رهایی داد و چنین نیست که هر کس به جهت اینکه نوکر دیوان است و یا پول دارد و در خانه خود زندان‌خانه داشته باشد و هر کس را بخواهد به زندان‌خانه برده حبس کند و هر وقت بخواهد مرخص کند و زندانی را اغذیه و اشربه نداده و اگر کسان او هم چیزی بیاورند، زندان‌بانان بخورند و یا آنکه زندانی را از آنچه دارند عریان نمایند.

کارهای متعلق به رئیس دفترخانه ششم

و کارهای مرتبط به رئیس دفترخانه ششم به این قرار است: انجام دادن امور مدارس فرانسه را با مدرسه که دولت فرانسه در روما که یکی از شهرهای ایتالیا است^۱ دارد و رسیدگی کردن به مدارس نقاشی و سایر صنایع پاریس و شهرهای دیگر و به اتمام آوردن امور موزه‌های شهر پاریس و سایر ولایات را با مخارج آنها و ساختن عمارات دولتی را با اصطخر^۲ هر چشمه ساری و خریدن پرده‌های نقاشی و مسکوکات قدیمه و شکل‌های از سنگ و چدن ساخته شده و جستجو نمودن هر چیز قدیم و پرداختن به امور تماشا خانه‌های شهر پاریس و سایر شهرها با مدارس موزیکان‌چی‌گری و رسیدگی کردن به چاپخانه‌ها و

۱ در نسخه ایتالیا نوشته شده است.

۲. بالای کلمه اصطخر نوع تلفظ دیگر آن را به صورت استلخ نوشته است.

روزنامه ها و جمع کردن کتبی را که چاپ می شوند برای کتاب خانه ها و غیرها و کارهای متعلقه به رئیس دفترخانه هفتم به این ترتیب میباشد: فهرست کردن حاصل زراعت و صناعت هر ولایت از مملکت فرانسه را و حکم کردن اینکه چه قدر اهل هرجائی از برای ولایت خود خرج کنند و پرداختن محاسبات هر ساله مخارج و مداخل هر ولایتی از ممالک فرانسه را و اذن دادن اینکه مواجب هر کس داده شود با حواله کردن بروات دولتی را در هر جا.

وظایف و اختیارات وزیر زراعت و تجارت

و آنچه به وزیر زراعت و تجارت مدخلیت دارد به این تفصیل می باشد: اشخاصی که در این وزارت مشغول اند از صاحبان هر شان و مرتبه صد و چهل و چهار نفرند و مواجب ایشان قریب به پنجاه هزار تومان است، به غیر سه هزار تومانی که مواجب ایشیک آقاسیان و دربانان و خدام دفاتر می باشد و نیز علاحده قریب به یازده هزار تومان برای وظایف چاکرانی که در این وزارت طول خدمت دارند مقرر داشته اند و نیز قریب به ده هزار تومان برای اسبابی که در دفتر خانه های این وزارت لازم است معین کرده اند و علاوه بر دفترخانه خاصه وزیر زراعت و تجارت با نایی که دارد چهار دفتر خانه دیگر می باشد اول که به زراعت و اسب هائی که از برای کشیدن بر مادیانان می باشند نسبت دارد. این است تدبیر کردن در قواعد زراعت و رسیدگی نمودن به مدارس که در این قواعد می باشند با ترقی دادن

زراعت و نشانیدن و کاشتن اشجار و نباتاتی که در خارجه یافته اند و منتظم داشتن امور مدارس بیطاری و متوجه شدن مکانی را که از هر جا گاو و گوسفندان آورده در آنجا رها کرده اند که تا گاو و گوسفندان را فراوان نمایند و انعام دادن به اشخاصی که در تمام کردن حیوانات موزیه^۱ تدبیر می کنند و احسان کردن به کسانی که در ترقی زراعت دقت می نمایند و پرداختن به امور جاهائی که اسبان خاصه تخم گیری می باشند و تقسیم نمودن خرید و فروش اسبان را به اطراف و انعام بخشیدن به کسانی که به حسن تدبیر جنس اسبان را نیکو می کنند.

تجارت داخلی

دوم که به تجارت داخله نسبت دارد این است: قرار گذاردن در تجارت داخله با رسیدگی کردن به امور مختلفه تجارت و قرار گذاردن در حقی که دلالان دارند و انجام دادن امور صراف خانه های مختلفه و پرداختن به امور ماهی گیرهای دریائی و منظم داشتن بازارهای مکاره را با بندرات و فهرست کردن اعمال تجارتنی را جمیعا از خرید و فروش و قرار دادن در صنایع و کارخانه ها و پرداختن به امور صنایع و کارخانها و انعام کردن به کسانی که اصحاب صنعتند به جهت ترقی صنایع و قاعده و قانون نهادن در غله و فهرست کردن حمل و نقل غله را از خارجه و داخله و قرار دادن مکاره ها و بازارها را با مقرر داشتن مالیات و انتظام بخشیدن به قصاب خانه ها و رسیدگی به امور خبازان و قصابان و بقالان و امثال ایشان مانند سبزی فروشان و غیرها و تدبیر

کردن و زیاده‌آذوقه اهل پاریس و پرداختن به امور گران‌تین و فهرست کردن امراض و اسقام مملکت را که در چه پایه و اندازه می‌باشند و مواظبت کردن در کوبیدن آبله و انتظام دادن در امور اطبا و جراحان و تدبیر کردن در صحت و سلامت رعایا و نظم دادن در کارخانه‌هایی که صحت انسان را مبدل به مرض می‌سازند و سرکشی کردن به اطفال که در کارخانه‌ها اشتغال دارند.

تجارت خارجی

سوم که به تجارت خارجه نسبت دارد به این تفصیل است: تدبیر کردن در زیاد نمودن تجارت دولت فرانسه را با دول خارجه و عهد بستن در تجارت و کشتی بانی و مالیات و قرار نهادن در گمرک و جمع کردن نوشته‌جاتی را که مشحون به رسوم تجارت در خارجه می‌باشند، با جستجو نمودن از چگونگی بد و نیک گمرک و کشتیبانی‌های ممالک خارجه.

چهارم که به حساب مطلق نسبت دارد این است: نگاه داشتن حساب مواجب اشخاصی را که به این وزارت خدمت می‌کنند با وظایف کسانی که در این وزارت خدمت کرده‌اند و یاری نمودن رعایائی را که از آتش و تگرگ و سیل و غیرها ضرر برده‌اند و آنچه متعلق به امور وزیر معماری‌های دولتی می‌باشد این است: پوشیده نیست که این وزارت‌خانه به هشت دفترخانه منقسم می‌شود و هر یک رئیسی دارد با سی و چهار منشی باشی و صد نفر منشی و ازین اشخاص یک نفر نایب وزیر است که با چهار نفر از منشیان خاصه مشغول کارگزاری می‌باشند و مخارج جمیع این اشخاص قریب به

پنجاه هزار تومان میباشد. به غیر سه هزار تومان که به جهت ایشیک آقاسیان و دربانان و خدمت گزاران دفاتر این وزارت مقرر است و نیز ده هزار تومان دیگر که برای فراهم آوردن اسباب و آلاتی که لازم وزارت خانه مذکوره می باشد داده می شود.

معماری شهرها و ساخت و ساز جاده ها

امر بزرگی که نسبت به معماری ها دولتی دارد ساختن پل و پرداختن راه می باشد و به همین جهت است که پل ساختن و راه ساختن می گویند و سایر معماری ها را اراده می نمایند.

و اموری که نسبت به رئیس دفترخانه اول دارد این است: پرداختن امور و تعیین کردن معلمین و تقسیم نمودن متعلمین را در مدارس و متصدی معماری های دولتی شدن به خصوص پل ساختن و را ترتیب دادن با مشخص کردن مهندسین معماری و کسانی که مشغول ساختن پل و پرداختن راه می باشند و معین کردن مشیران را هر ساله در هر ولایتی به جهت مشخص نمودن مخارج کارهای متعلقه به معماری را و انجام دادن امور مدارس معاون را با تعیین کردن معلمین و تقسیم نمودن متعلمین و اجازه استادی دادن به شاگردان و معین کردن سر کرده کشتیابانان با تعیین نمودن اشخاصی چند برای پاسبانی راه آهن و اموری که نسبت به رئیس دفترخانه دوم دارد، از این قرار است: معین کردن جاده های بزرگ را از جاده های کوچک و مشخص نمودن مخارج ساختن و تعمیر راه ها و تقسیم کردن پولی که دولت به جهت مخارج معماری های هر ولایتی

میدهد و انجام رسانیدن احکامی که درباره جاده ها می باشد و قرار دادن آن در عراده های که^۱ در آن راه ها نقل اجناس تجارتی می کنند.

وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه سوم
و اموری که نسبت به رئیس دفترخانه سوم دارد به این تفصیل است: قرار دادن سفاین در رودخانه ها و قابل کردن رودخانه ها را برای راندن سفاین و ساختن و تعمیر نمودن بندرات و بند ساختن به جهت سیلاب و پرداختن کارهای متعلقه به کشتیانی در دریا و مشاعل افروختن بر سواحل دریا با تحمل مخارج آنها و بند بستن بر دریا با ترتیب دادن رودخانه را به جهت عبور و مرور سفاین.

وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه چهارم
و اموری که نسبت به رئیس دفترخانه چهارم دارد این است: پرداختن به امور رودخانه های را که نمی توان کشتی راند و قرار دادن در کارخانهای که به آب می گردد و با معین نمودن جاهای آنها را و خشک کردن مرداب و قرار دادن در آب یاری مزارع.

وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه پنجم
و اموری که نسبت به رئیس دفترخانه پنجم دارد این است: معین کردن اماکنی که باید راه آهن ساخته شود با انجام دادن کارهای متعلقه به آن و صحه گذاردن به معاملاتی که در راه آهن میشود با

۱ حاشیه: از قبیل تعیین کردن این که چرخ عراده بچه پهنی باشد و میان هر دو چرخ چه قدر وسعت باشد و چه قدر بار کنند به علت اینکه اگر چرخ باریک باشد و بار عراده سنگین راهها را خراب مینماید.

انتظام در آن راهو اموری که نسبت به رئیس دفترخانه پنجم دارد از این قرار است: جستجوی معادن و اجاره هریک و سرکشی کردن به معادن پس از انتظام و رسیدگی نمودن به کارهای کارخانه های آهنی و نگاه داشتن کتبی که در علم معدن نگارش یافته و تعیین کردن نقش های معادن مملکت فرانسه و جمع کردن نمونه از هر معدن.

وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه ششم
و اموری که نسبت به رئیس دفترخانه ششم دارد این است: مصلحت دیدن در بنای بعضی عمارات دولتی و ساختن عمارات جدید و تعمیر کردن عمارات قدیمه و رسیدگی کردن به امور معماران و سرکاران و بازدید کردن مخارج بنائی ها و فهرست معماری های دولتی و سرکشی کردن به ادعاهای معماران.

وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه هفتم
و اموری که به رئیس دفترخانه هفتم دارد به این تفصیل است: رسیدگی کردن به کارهایی که در عهده مهندسين پل ها و راه ها میباشد. با سرکشی به امور مهندسين معادن و نگاه داشتن محاسبات مستمری و وظایف اشخاصی که طول خدمت دارند و نگاه داری کردن خزاین و دفاین این وزارت را.

وظایف وزیر زراعت و تجارت نسبت به رئیس دفترخانه هشتم
و اموری که نسبت به رئیس دفترخانه هشتم دارد این است: جستجو نمودن و جمع کردن جمیع صنایع را نسبت به مسکوکات رایجه در فرانسه و مشخص کردن کم و زیاد و مخارج حمل و نقل

اجناس را به کشتی و یا راه آهن و یا عراده و پیدا کردن قواعدیکه از برای راه آهن بیشتر منفعت دارد و ترجمه کردن نوشته جات دول خارجه را در مطالب مختلفه.

وظایف وزیر لشکر

و آنچه متعلق به وزیر لشکر می باشد به این تفصیل استکه: وزیر مذکور را یک نایب است با سه رئیس دفترخانه و دو نایب رؤسای دفترخانه و نیز دو رئیس دیگر دارد، که مخصوص امور توپخانه و مهندسی می باشند و این رئیس را نیز دو نایب است و بیست و شش منشی باشی با سی و هفت منشی. بالجمله در این وزارتخانه از همه جهت چهار صد و پنجاه نفر خدمت گزارند و قریب به صد و هشتاد هزار تومان مخارج ایشان می باشد. به غیر ده هزار تومان که برای خدام ایشان مقرر داشته اند با سی هزار تومان اسبابی که برای آن وزارتخانه معین کرده اند.

وظایف نایب وزیر لشکر

و اموری که به نایب وزیر لشکر متعلق می باشد این است: که نوشته جات اتاماژوری و پیاده نظام و سواره نظام را جمع کرده، ترتیب دهد و مخارج چاپ کردن روزنامه های لشکری را از عهده برآید و صاحب منصبانی را که بخواهند در غیر نظام خدمت کنند، قبول نماید و فهرست اسامی صاحب منصبانی را که وفات یافته اند و یا از خدمت استعفا کرده اند و یا معزول شده اند نگاه دارد و اسامی سربازانی را که مرده اند ضبط نماید و جمیع نوشته جات اهل نظام را

صحّه گذارد و امور افلیج خانه را که اِتِل دزان وِلید (هوتل دزانوَلید)^۱ می گویند انجام دهد و به چاکران نظامی مواجب و انعام دهد و صاحب منصبانی که در جنگ و غیره اسباب خود را گم کرده تاوان دهد.

وظایف و اختیارات رئیس اول وزارتخانه لشکر

و اموری که نسبت به رئیس اول دارد این است: حکم جنگ رسانیدن به افواج و معین کردن اماکنی را که لشکر به ساخلو می فرستند و تعیین نمودن لشکرگاه و مشخص کردن منازل افواج را در هر سفری و مراسله نگاشتن به حکام نظام و غیر نظام به جهت انتظام ولایات و معین کردن شأن و مرتبه هریک از صاحب منصبان و نظم دادن به افواجی که در سفر یا ساخلو می باشند و خواستن سربازان جدید را پس از آن که تقسیم کرده معین نمود که از هر ولایتی چه قدر سرباز بگیرند و پرداختن اموری که به رد و قبول سربازان جدید را به سربازی متعلق میباشند و معین این که سربازان جدید داخل کدامیک از افواج شوند و قبول نمودن سربازان داوطلب را بسربازی و پذیرفتن سربازی هریک از مردم را برجای دیگری و مرخص نمودن سربازانی را که زمان خدمتشان سر آمده است و اذن دادن سربازی را که بخواهد به ولایت خود سرکشی کند و انجام دادن کارهای صاحب منصبان بزرگ را با صاحب منصبان اتاماژوری و امور مدرسه پلتیک

۱. حاشیه: سربازان معیوب شده در جنگ را گویند.

نیک^۱ و مدرسه نظامی سن سیر با سایر مدارس نظامی دیگر و بازدید کردن پیاده و سواره نظام را هر ساله و معین کردن افواج چند را برای جنگ و قرار دادن در خدمات اهل نظام چه در ساخلو باشند چه در جنگ و رسیدگی کردن به مرافعه و تنبیه سربازان و بخشیدن تنبیه سربازان و سرکشی کردن به امور سربازانی که در زیر تنبیه و یا در زندان خانه به کارهای سخت باز داشته شده‌اند و پرداختن به امور غلامان و انجام دادن کارهای اماکنی را که به جهت سواره نظام و یا توپخانه محل داد و ستد اسبان است و خریدن قاطر و سایر حیوانات را به جهت لشکر و پرداختن به امور بیطاران و مدارس بیطاری.

وظایف رئیس دوم وزارتخانه لشکر

و کارهایی که در عهده رئیس دوم می‌باشد این است: انجام دادن ملبوس و ماکول سربازان را با آنچه از زین و لگام و نعل و غیره اسبان ایشان را به کار است و معین کردن به جهت عساکر بستر خواب و سایر لوازمی که در اردو ضرورت به هم می‌رساند و منظم داشتن مریض خانه‌های نظامی و معین نمودن رنگ و اندازه ملبوسات اهل نظام و خریدن ماکول و مشروبی که از برای نظام لازم است و تدارک دیدن علیق و آتش و چراغ لشکریان و رسیدگی کردن به احوال کسانی که در مریضخانه‌های نظامی خدمت می‌کنند و نگاه داشتن حساب هر یک از عملجات مریضخانه‌ها را و تدارک دیدن حمل و

۱. حاشیه: پلتیک نیک مدرسه بزرگی است که ناپلیون ساخته است و در آن کمتر از چهار صد شاگرد نیست و با آنکه در مدرسه مزبور بیشتر تحصیل علوم نظام می‌شود در سایر علوم نیز گفتگو می‌نمایند.

نقل قورخانه و توپخانه و اسباب مهندسی و آلات و ادوات حرب با اسباب سربازان چه در داخله و چه در خارجه و چه در بحر و چه در بر.

وظایف و اختیارات رئیس سومو چهارم وزارتخانه لشکر

تکالیفی که در عهده رئیس سیم می باشد و اختصاص به الجزیره دارد این است: پرداختن به امور نظامی آن سرزمین با انتظام در حکومت نظام و غیر نظام آنجا و معین کردن سرحدات آن مملکت را و انجام دادن کارهای متعلقه به اعراب را با تعیین بزرگان ایشان و معین نمودن چاکران چند به جهت عدالت خانه یا خدمات دیگر که غیر نظامی باشد و انجام دادن امور دینی و مدارس الجزیره و یا جستجوی در تواریخ اعراب و کاوش در اسباب های قدیمه و پرداختن به امور محتسبین آنجا با امور عدالت خانه های نظامی و غیر نظامی و رسیدگی کردن به امور شرعیه اسلامیة اهالی الجزیره و معین کردن مالیات ولایات آن سرزمین را و ساختن دهات تازه با تعیین اماکن زراعت کاران فرانسویان آن مکان و بخشیدن مزارع چند با ایشان و پرداختن به امور خارجه و داخله اعراب و نظم دادن در امور غواصی آن مملکت یعنی گرفتن مرجان و به اتمام آوردن کارهای معادن و انجام دادن ساختن راه ها و بندرات را با تعمیرات عمارات دولتی آن سرزمین و نظم دادن در امور آبیاری با تعیین مخارج و مداخل الجزیره و تعیین نمودن باج و خراجی را که باید یاغیان از عهده برآیند و محاسبه کردن مواجب نظامیان و فرانسه و اعراب و

کارهایی که در عهده رئیس چهارم می باشد و اختصاص به توپخانه دارد این است: منصب دادن به صاحب منصبان توپخانه و معین کردن اسباب اسب های توپخانه و پرداختن به امور مدارس توپخانه و قورخانه و گلوله ریزی و باروت سازی با شوره سفید کردن و انجام دادن کارهای مُزه^۱ توپخانه و رسیدگی کردن به توپهای جنگی و تقسیم نمودن قورخانه را از باروت و غیرها و منظم داشتن امور کارخانه چاشنی سازی و اذن دادن در حمل و نقل ادوات جنگ را از فرانسه به خارجه و معین کردن مخارج مختلفه لشکر را

وظایف و اختیارات رئیس پنجم وزارتخانه لشکر

و کارهایی که در عهده رئیس پنجم می باشد و اختصاص به مهندسی دارد این است: رسیدن به امور مهندسین مختلفه و انجام دادن امور مدارس توپخانه و مهندسی شهر مس و سرکشی نمودن به قورخانه مهندسی و نگاه داشتن نقشه برجسته تمام قلعه جات جنگی فرانسه و غیره و انجام دادن معماری و بنائی اماکن سربازان. از قبیل سربازخانه و قراولخانه و غیرهما و اجاره کردن زمینها به جهت میدان مشق و کارهای دیگر لشکر و تعیین کردن سربازخانه ها در شهرهای فرانسه و آنچه متعلق به وزیرالبحر می باشد این است: که یک نایب و شش رئیس دفترخانه با منشیباشیان و منشیان از هر مرتبه دارد و مواجب این اشخاص مختلفه با اسباب این وزراتخانه قریب به صد هزار تومان است.

۱. حاشیه: مُزه به معنی نمونه خانه است.

وظایف نایب وزارت البحر

و اموری که در عهده نایب می باشد این است که: کتابخانه این وزارت را با بندرات مختلفه محافظت نماید و انتظام دهد و دفاتر صنایع و مرافعه متعلقه به ولایات خارجه از مملکت فرانسه که در تصرف فرانسویان می باشند جمع کرده رسیدگی نماید.

وظایف رئیس اول وزارت البحر

و اموری که مدخلیت به رئیس اول دارد این است: مأمور کردن صاحب منصبان بحری را در هرجائی از دریا که لازم شود و معین نمودن کسانی که نقشه دریا را می کشند، با معلمین علم کشتی بانی و پرداختن به امور مدارس دریائی و قبول کردن سربازان داوطلب دریائی را به سربازی و مواجب و انعام دادن به نظامیان بحریه و متحمل شدن ملبوسات عساکر بحری را در زمانی که ساخلو می باشند و انجام دادن امور مریض خانه های دریائی و فراهم آوردن عمله جات کشتی و قرار دادن راهنمایان چند، به جهت کشتی ها و رسیدگی کردن به امور کسانی که در دریا به اسیری گرفته اند و نظم دادن در کشتی های تجارتی و ماهی گیری ها در دریا و رودخانه های بزرگ با همان قدر که از رودخانه ها آب شور است چه در رودخانه ها هر چه آب شیرین است تعلق به وزیر داخله دارد. بالجمله قبول نمودن اهالی خارجه را به جهت خدمتگزاری در کشتی به رعیتی فرانسه و معین کردن سربازان دریائی را با زمان سان ایشان و برقرار کردن توپخانه و قورخانه و عمله جات و محتسبین به جهت گشتی و بخشیدن تنبیه گناه کاران و سرکشی کردن به زندان خانه هائی که در بندرات می باشند

و تعیین کردن نقشه کشتان دریائی و چاپ نمودن کتبی را که سیاحان بحریه نگارش داده اند و خریدن اسباب دریائی با نوشته جاتی که تعلق به کشتیانی دارد.

وظایف رئیس دوم وزارت البحر

و اموری که به رئیس دوم مربوط است به این تفصیل است: ساختن هر نوع کشتی اعم از این که بادی باشد یا بخار و خریدن اسباب بخار به جهت کشتی های جنگی و نگاه داشتن حساب عملیه جاتی را که در بندرات با جهازات مزدورند و رسیدگی کردن به امور توپخانه و قورخانه بندرات و انجام دادن امور متعلقه به توپ سازی و گلوله ریزی کشتی های جنگی و ساختن بندهای دریائی را با بندرات و سایر عمارات بحریه و خریدن چوب و غیره، برای ساختن کشتی و پرداختن هر نوع داد و ستادی که در دریا به جهت آذوقه و غیره لازم است.

وظایف رئیس سوم وزارت البحر

و اموری که به رئیس سوم متعلق می باشد و مخصوص ولایاتی است که از ممالک خارجه در تصرف دولت فرانسه درآمده اند از این قرار است: نظم دادن در ولایات مذکوره و به انجام آوردن قدغنی که در خرید و فروش غلامان سیاه شده است و مامور کردن اشخاصی را که باید به جهت دولت در دریا سفر کنند و پرداختن امور تجارتی ولایات مذکوره را با مقرر داشتن در هر یک از آن اماکن گمرکی و به پایان آوردن امور صناعت و زراعت و انتظام دادن در امور

عدالت خانه های آن ولایات و نگاه داشتن فهرست اسامی کسانی که در ولایات مذکور می باشند و پرداختن به امور مکتب خانه ها و مذاهب اهالی آن ولایات و منظم داشتن ژاندارم ها یعنی غلامانی سواره احتساب که در آن ولایات برای پاسبانی نهاده اند با عساکری که در آن ولایات به ساخلو باز داشته اند و رسیدگی کردن به مخارج عساکر مذکوره و منظم داشتن مداخل و مخارج آن ولایات را و آنچه به رئیس چهارم مرتبط است معین کردن مخارج جمیع کارهای دریائی و کشتی گیری می باشد.

وظایف و اختیارات رئیس پنجم وزارت البحر

و آنچه به رئیس پنجم متعلق است معین کردن وظایف و مخارج کسانی را که در دریا خدمت کرده از کار فرومانده اند. مثلاً افلیج شده اند و موجب رسانیدن به چاکران دریائی و کسانی که در ولایات خارجه که به تصرف دولت فرانسه در آمده اند خدمت می کنند و معین کردن خزینه داران دریائی و نگاه داشتن شمار کشتی هایی که غرق شده اند و آنچه به رئیس ششم تعلق دارد این است: رسیدگی و صحه گذاردن و تقسیم نمودن مخارجی را که بندرات معمول می دارند با اخراجاتی که در جاهای دیگر به مصرف سفاین می رسند و رسیدگی کردن به تمام معاملات که در پاریس و ولایات خارجه به واسطه کشتیبانی انجام می گیرد.

وظایف و اختیارات وزیر محاسبات

و اموری که متعلق به وزیر محاسبات می باشد، به ترتیبی است که ذکر خواهد شد و مخفی مباد که در این وزارت خانه از کارگزاران یک نایب وزیر و شش رئیس وزیر با هشت نایب رئیس و دو خزینه دار و یک مباشر خزینه و صد و سی و چهار منشی باشی و منشی و پانصد و سی و دو نفر از صاحبان شأن و مرتبه دیگر می باشند و مواجب تمام این اشخاص قریب به دویست و سی هزار تومان است، که شش هزار تومان از این دویست و سی هزار تومان مواجب کسانی است که مالیات ولایات را گرفته به مواجب مردم می دهند و علاوه بر این دویست و سی هزار تومان قریب به هفده هزار تومان برای صد و پنجاه نفر خدام ایشان برقرار کرده اند و نیز شش هزار و پانصد تومان دیگر برای انعام و احسانی که اهل وزارت خانه به مردم می کنند مقرر داشته اند و قریب به شصت هزار تومان برای فراهم آوردن مایحتاج وزرات خانه معین نموده اند.

وظایف کارپردازان وزارت محاسبات

و کارهائی که در عهده کارپردازان این وزارت خانه می باشد به این تفصیلند: اول ضبط و ثبت املاک است که یک رئیس و چهار نایب با پنجاه و هشت منشی باشی و منشی پنجاه و نه محرر دخیل اند؛ دوم امور گمرک است که یک رئیس و چهار نایب و بیست و نه منشی باشی و منشی و هشتاد خدام متفرقه کفیل اند؛ سیم امور مالیات املاک است که یک رئیس بزرگ و دو نایب و ده منشی باشی و منشی و نوزده خدام انجام می دهند؛

چهارم امور مالیات غیر املاک است که یک رئیس و چهار نایب و سی منشی باشی و منشی و سیصد و سی و چهار خدام به اتمام می آورند؛

پنجم امور تنباکو است که یک رئیس و سه نایب و نه منشی باشی و سی خدمتکار می پردازند؛

ششم امور چاپارخانه ها است که یک رئیس و چهار نایب و چهل و سه منشی باشی و منشی و صد و سی و نه خدام مختلف به پایان می آورند؛

هفتم امور جنگلها است که یک رئیس و چهار نایب و بیست منشی باشی و منشی و سی و پنج چاکر انجام می دهند؛

هشتم ضرابخانه و مسکوکات است، که یک رئیس و دو نایب و یک مباشر محک و امتحان با چهار امتحان کنندگان دیگر و دو منشی باشی و سه منشی دخیلند و اموری که در دفترخانه وزیر محاسبات ساخته و پرداخته می شوند این است: نگاه داشتن فهرست اسامی و حساب کسانی که در این وزارتخانه مدخلیت دارند و پرداختن امور خزینه داران و تحویل داران خاصه و عامه و تحویل داران ولایات و معین کردن اشخاصی را که در ولایات به جهت سرکشی کردن و رسیدگی به مالیات گردش می نمایند.

وظایف نایب وزیر محاسبات

و آنچه متعلق به نایب وزیر دارد این است که: مخارج و مداخل ولایات را جمع کرده حساب کند و آنچه دولت به جهت مخارج ولایات یا غیره معین می کند برساند.

وظایف رئیس اول وزارت محاسبات

و اموری که تعلق به رئیس اول دارد این است: تقسیم کردن مخارج وزارتخانه های مختلفه و آماده کردن احکام دولتی را نسبت به مداخل و مخارج؛ یعنی معین کند که احکام صادره از دولت درباره دخل و خرج چیست. بالجمله پرداختن امور صراف خانه و انجام دادن کارهائی را که متعلق به فروضی است که رعایا را لازم شده با دولت در میان می آورند و ثبت کردن احکام صادره از وزرا و حکم دادن به تحویلداران خاصه ولایات و رسانیدن زر و سیمی که به ایشان محول است و رسیدگی کردن هر ده روزی یک دفعه به حساب تحویل داران و پول فرستادن از شهر پاریس به سایر ولایات و از بعضی ولایات به بعضی ولایات دیگر و نگاه داشتن روزنامه های تحویل داران خاصه.

وظایف رئیس دوم وزارت محاسبات

و اموری که در عهده رئیس دوم نهاده اند از این قرار است: سرکشی کردن به انجام احکامی که از دولت درباره صرافان صادر می شود و ثبت کردن مبالغ زر و سیمی را که دولت به قرض می ستاند و نگاه داشتن محاسبات کسانی را که به دولت قرض میدهند و رسیدگی کردن به مواجب و وظایفی که به چاکران نظامی و غیر نظامی داده می شود.

وظایف رئیس سوم وزارت محاسبات

و اموری که باید رئیس سوم متحمل شود این است: نگاه داشتن دفاتر محاسبات جمیع مملکت و حساب کردن مخارج و مداخلی را که در سال آینده می شود و چاپ کردن محاسبات مخارج و مداخل مملکت را با شرح دلایلی که وزرا در مخارج خود مذکور می دارند و رسانیدن پول به جهت آذوقه عساکر و مریض خانه ها هر قدر لازم شود و پول قرض دادن به کسانی که با یکدیگر شریک شده راه آهن می سازند.

وظایف رئیس چهارم وزارت محاسبات

و اموری که در عهده رئیس چهارم می باشد این است: تحویل گرفتن نقود مالیات و املاک و غیر املاک با مداخل چاپارخانه ها و گمرک و غیرها و ممضی داشتن بروات موجب عساکری را که از فرانسه در ممالک خارجه می باشند و قبض دادن به تحویل داران خاصه و عامه به عوض نقدی که از ایشان می ستانند و ادای وجه کردن براتی را که خزینه دار مرتبه اول حواله می نماید و رسانیدن برات موجب و مخارج عساکر بحریه وصول نمودن برواتی را که تحویل داران ولایات از تجار گرفته روانه می نمایند.

وظایف رئیس پنجم وزارت محاسبات

و اموری که متعلق به رئیس پنجم می باشد از این قرار است: رسانیدن منافع پول کسانی را که به دولت قرض داده اند، با نقد

دادن مواجب چاکران نظامی و غیر نظامی هر قدر در شهر پاریس می باشند و ادای وجوه نمودن برواتی را که وزرا حواله می دهند.

وظایف رئیس ششم وزارت محاسبات

و اموری که در عهده رئیس ششم می باشد این است: رسیدگی کردن به منازعه و مرافعه که در میان برات داران و تحویل داران و خزینه داران پیدا می شود و رسیدگی کردن به بروات خزینه داران و تحویل داران با صحنه نهادن بروات مذکوره را و رسیدگی کردن بسته هائی که بعضی در دست دارند و از دولت ادعای طلب می کنند و دادن روزنامه دار محاسبه را هر شب به وزیر محاسبات و معین کردن قدر وجوهی را که در خزینه وزیر محاسبات موجودند و باید دانست که خزینه مذکوره را دو کلید است. یکی در نزد خزینه دار است و یکی در نزد مباشر خزینه بدان که علاوه بر امور مذکوره متعلقه به وزرای مختلفه امور دیگر در دولت فرانسه می باشد، که اگر چه هر یک از آن امور تعلق به وزارتخانه دارد، ولی اسمی علیحده گرفته در هر یک قواعد مخصوصی نهادند. به جهت این کلید در نزد مباشر است که بی خبر رفته ببیند که در خزینه موافق حسابی که خزینه دار به وزیر می دهد پول هست یا نه.

وزارت عدلیه فرانسه

و از این امور مخصوصه آنچه تعلق به وزیر عدلیه و دینیّه دارد این است:

اول عدالت خانه بزرگی است که مخصوص مملکت فرانسه است و در پاریس می باشد و مشتمل به سه مجلس است که هر یک سه رئیس و پانزده منشی دارد و شأن کارگزاران در این عدالت خانه آن است که هر گاه در یکی از عدالت خانه ها مرافعه شده یکی از مدعیان راضی نشده در نزد ایشان آید و ایشان حکمی را که از آن عدالت خانه صادر شده خلاف انصاف بینند خط بطلان بر سر کشیده به عدالت خانه دیگری رجوع نمایند که آن مدعی راضی باشد.

دوم عدالت خانه های بزرگی است که در هر سواد اعظمی یکی یافت می شود و اصحاب این عدالت خانه به مطلق مرافعه جات خلق رسیدگی می کنند و هنگام مرافعه ایشان باید دوازده نفر را که ژوریمی نامند^۱ و دفعه به دفعه از رعایا گرفته می شود و چون از اهل علم

۱. حاشیه: یعنی چون دو نفر مرافعه دارند و در عدالت خانه آمدند چند گواه می آورند؛ مردمان ژوری که در آنجا نشسته گوش میدهند و پس از آن برخاسته به اطاقی میروند و درهای اطاق بر ایشان بسته ایشان می نشینند و با یکدیگر گفتگو می کنند که ببینند آن کسی را که مقصر دانسته شده تقصیر دارد یا نه و پس از طی سخنان هر یک از آن دوازده نفر که او را مقصر میدانند گلوله سیاهی برداشته در میان ظرفی می افکنند و آنها که مقصر نمیدانند گلوله سفیدی می اندازند و آنگاه زنگ زده در را می گشایند یکی از ایشان بیرون آمده اگر گلوله های سفید بیشتر است میگوید ما این مرد را به گواهی دل خود مقصر میدانیم و اگر گلوله های سیاه بیشتر است میگوید مقصر میدانیم و هر گاه اتفاق افتد که شخصی را شش نفر گناهکار دانند و شش نفر بی گناه مکالمه را چندان مکرر می کنند که یک طرف بیشتر شود و عاقبت اگر اعتراف به تقصیر آن شخص شد اهل عدالت خانه مرافعه کرده آنچه حکم است جاری می کنند والا آزاد مینمایند.

نیستند در مرافعه مردم رجوع به قلب خود می کنند که تا به بینند دل ایشان به تقصیر کدام یک از دو مدعی گواهی می دهد.

سوم عدالت خانه ها نیست که هر کس مرافعه دارد در آنجا رفته مرافعه او را قابل هر عدالت خانه می بینند به آنجا رجوع می کنند.

چهارم عدالت خانه ها نیست که به مرافعات تجارتي رسیدگی می کنند و در هر یک از شهرهای فرانسه هست.

پنجم عدالت خانه ها نیست که به افعال قبیله از قبیل دزدی و غیره رسیدگی می نمایند و این گونه عدالت خانه در جمیع شهرهای بزرگ فرانسه نیز یافت می شود.

ششم عدالت خانه هائی است که در شهرهای کوچک می باشند و عدالت خانه های مصالحه می نامند؛ چه هر وقت در میان مردم منازعه روی میدهد اول در آنجا رفته مکالمه می کنند که شاید امر منجر به مصالحه شود.

القصه در هر عدالتخانه وکلای چند می باشند کهاؤکا می نامند و هر وقت کسی مرافعه دارد از ایشان یکی را وکیل می کند که از برای او مکالمه کند.

وظایف و اختیارات وزیر عدلیه

و دوم از امور خاصه متعلق بوزیر عدلیه و دینیّه، چاپخانه امپراطورست^۱ که در شهر پاریس می باشد و آنچه تعلق به دولت دارد دولت خرج کرده در آنجا چاپ می کنند. مانند احکام و

۱ در همین چاپخانه شاهنامه را بلسان فارسی و فرانسه چاپ کردند

کتبی را که مصنفین نگارش داده به کار دولت می آیند خواه کتب علمیه باشد و خواه کتبی که در السنه غریبه تصنیف شده است و اگر خرج بسیار هم داشته باشد دولت متحمل می شود،

و سوم از امور مخصوصه متعلقه به وزیر عدلیه و دینیه نشان لژیان دُئراستکه دولت از آنجا نشان می بخشد.

و چهارم مشیران دولتی می باشند که مشتمل اند بر: ده وزیر مذکوره و سی مشیر خاصه و سی نفر نایبان مشیران و هر حکمی در دولت روی دهد به مصلحت دید ایشان است و هر وقت حسابی در دیوان پیدا شود به ایشان رجوع می کنند،

و پنجم آرشیو است و ایشان کسانی هستند که تمام سندها و احکام دولتی را نگاه می دارند و اگر کسی سوادی از آنها بخواهد نزد ایشان می رود از قبیل احکام صادره از وزرا و مشیران دولت و دیوان خانه ها و پیشوایان هر ملتی.

وزارت امور خارجه

و از آن امور مخصوصه آنچه متعلق به وزیر امور خارجه می باشد این است:

اول نیابتی است که در شهر مرسلی بنا نهادهر چهار کارهای ولایات که در سمت دریای سفید تعلق به سفرها داشته باشد انجام می گیرد.

دوم در پاریس مجلس مخالفتی است که تعلق به دفترخانه وزیر امور خارجه دارد و اهل این مجلس شش نفرند که اغلب اوقات از دو دیوان خانه منتخب می شوند و ایشان به جهت این اند که هر گاه در امور رعایا و سفرای فرانسه نسبت به خارجه مخالفتی روی دهد وزیر امور خارجه در دفع آن مخالفت با ایشان مصلحت کند.

سوم مترجمین خاصه امپراطوری می باشند که اختصاص به زبان ترکی و فارسی دارند و ایشان چهار نفرند.

چهارم مدارس است که در پاریس و اسلامبول برای آموختن السنه و لغات ترکی و فارسی و عربی برپا کرده اند.

پنجم دفاتری است که در آنجا عهدنامه ها و ممضی نامه ها و سایر نوشته جات دولتی که قریب به شش هزارند به اتمام مراسلات و به مکاتبات سفرا و قونسول ها که از قدیم الایام تا اکنون جمع شده اند با بیست هزار نقشه ولایات متفرقه و چهار صد جلد نوشته جاتی که سرحدات را معین می کند فراهم آمده.

وزیر مدارس

و از آن امور مخصوصه آنچه به وزیر مدارس تعلق دارد این است: اول سی نفر مشیران و مباشران مدارس می باشند که باید به نظم و تعلیم قواعد مدارس رسیدگی نمایند و گاه گاه به مدارس سرکشی کنند.

دوم مجلسی است که باید کتب مخصوص تعلیم شاگردان در آنجا انتخاب شود و کتب تواریخ فرانسه و علوم و صنایع با کتب قلمی در آنجا جمع گردد.

سوم مدرسه مخصوص کسانی است که می خواهند معلم شوند و باید متعلمین در این مدرسه کمتر از هجده سال و بیشتر از بیست و سه سال نداشته باشند و نیز در مدارس دیگر درس خوانده باشند. چهارم مدرسی که در مرتبه اولند و در هر یک از شهرهای بزرگ فرانسه یکی هست.

پنجم مدارس بزرگی است که در هر یک علم مخصوصی خوانده می شود از قبیل علم دین و طب و غیرهما. ششم مدارس دواسازی است که در جمیع مملکت فرانسه منحصر به سه شهر است یکی در پاریس و یکی در مُپلیهو یکی در استراس بُرگ.

هفتم مدرسی است که برای تحصیل مقدمات طب و دواسازی می باشند و در اغلب از شهرهای فرانسه یکی بنا شده است. هشتم مدرسی است که برای ابتدای درس خواندن کسانی است که می خواهند معلم شوند و در هر یک از شهرهای بزرگ فرانسه یکی هست.

نهم مدارس دولتی است که در هر یک همه علمی تحصیل می توان کرد.

دهم آنس تیتون است یعنی پنج مجلس و شغل اهالی این مجلسها انتظام و ترقی در علوم متفرقه می باشد و در مجلس اول که آگدمی فرانسز می نامند و مخصوص زبان فرانسه می باشد چهل نفرند و در مجلس دوم که آگدمی ذِرَنس کریب سیان می گویند و برای ترقی انشا و شعر و غیرهما است نیز چهل نفرند،

و در مجلس سوم که آکدمی دسیانس می گویند و به جهت ترقی علوم ریاضی و طبیعی از قبیل هندسه و جغرافیا و معدن و زراعت و طب جراحی و غیرها می باشد شصت و سه نفرند،

و در مجلس چهارم که آکدمی و بُرار می خوانند و مخصوص ترقی دادن صنایع است از قبیل نقاشی و تراشیدن اشکال مختلفه از سنگ یا معماری و حکاکی چاپ و موزیکال چهل نفرند،

و در مجلس پنجم که آکدمی دسیانس مُزل می گویند و اختصاص به ترقی علوم اخلاق و پلتیک دارد از قبیل علم فلسفه و قواعد دول و سیاست مدن و آداب و غیره اسی نفرند.

یازدهم از امور متعلقه به وزیر مدارس دارالعلوم فرانسه است که کُلژِ دوائس می نامند و در آنجا بیست و هشت معلم است که هر یک علوم مخصوصی را می آموزند از قبیل نجوم و ریاضی و طبیعی علمی و طبیعی عملی و طب و شیمیا و حقوق ملل و تواریخ دول و کتب فلسفه با قواعد دول مختلفه و آداب و معماری های قدیمه و السنه عبرانی و کالدانی و سریانی و عربی و فارسی و ترکی و چینی و تاماری و هندی و یونانین و لاتین و اسلاوانی و سیار زبانهای مردم فرنگستان با علوم دیگر.

دوازدهم موزه طبیعی است که در آنجا هر نوع حیوانات و نباتات و معادن آورده جمع کرده اند.

سیزدهم رصدخانه است که در آنجا هر چه تعلق به علم نجوم دارد فراهم آورده اند و منجمین در آنجا نشسته حرکات کواکب را ضبط

می کنند و از احکام سایر رصدهای ممالک خارجه آگاه شده چاپ می کنند.

چهاردهم هشت کتابخانه شهر پاریس است و در آنها دو کرور و سیصد و سی و شش هزار کتاب چاپ است و نود و چهار هزار و دویست و نود و چهار کتاب قلمی می باشد. و در یکی از این کتابخانه ها را که امپراطوری می گویند سه هزار و چهار صد و چهل و سه عقیق قدیم کنده و احجار کنده با صد و پانزده هزار و هشت صد و نود و چهار مسکوکات قدیمه و جدیده هر ولایتی می باشد.

وزارت داخله

و آن چه از امور مخصوصه تعلق به وزیر داخله دارد این است: اول کسانی هستند که به حکومت ولایات تعلق دارند از قبیل حکام کل و حکام جزو با مشیران حکام. دوم مشیرانی میباشند که در ولایات به جهت گذراندن کارهای رعایا در نزد حکام متوقفند. سوم مشیران حکام بلوک و کدخدایان و غیرها می باشند. چهارم امور راهها و پل های ولایات است.

وظایف محتسبین

پنجم محتسبینی هستند که پلیس می نامند و در پاریس و سایر بلاد و بلوک می باشند و از قراری که ذکر شد محتسبین به جهت انتظام و آزادی و آسایش خلق می باشند و باید نگذارند نزاع و جدالی در میان مردم پیدا شود و نیز احکامی را که در انتظام عامه مردم صادر

می‌شوند انجام دهند و بدان که احتساب دو نوع است: خاصه و عامه احتساب خاصه تذکره دادن و منع کردن گدائی و هرزه گردی است با نظم دادن در زندان‌خانه‌ها و جاهائی که زنهای فاحشه مکان دارند و نیز برداشتن منازعه و مجادله را از میان ملل مختلفه و منع کردن غوغا و هیاهوی خلق را در بازار و برزنها و گرفتن دزدان و فراریان را بالجمله هر چه از این کارها می‌باشد، باید محتسبان مقصدی شوند و احتساب عامه رسیدگی کردن به کوچه‌ها یعنی پاک نگاه داشتن کوچه‌ها از هر خاک و خاشاکی و نگذاشتن مسدود شدن کوچه‌ها از حیوانات و غیرها و اهتمام کردن در امور متعلقه به صحت مردم و منع کردن آتش گرفتن خانه‌ها را و مانع شدن خرابی‌هائی را که سیلاب می‌رساند و پاسبانی نمودن امور تجارتی و سرکشی کردن به مأكولات و مشروبات که در بازارها آورده می‌فروشند، که مبدا نقصی داشته باشند که علت بیماری خلق شوند و محافظت کردن عمارات دولتی را و غیرها و بدانکه در حقیقت عدالت‌خانه‌ها یک نوع از احتساب می‌باشند؛ چه گناه‌کارانی را که محتسبین خاصه و عامه نتوانستند از اشتغال به اعمال قبیحه باز دارند تنبیه می‌نمایند و جمیع کارهای منسوبه به احتساب در کف کفایت وزیر داخله می‌باشد و در بلاد و بلوک و دهات حکام و نایبان ایشان با کدخدایان به امور محتسبی رسیدگی می‌کنند و در پاریس یک نفر است که بر محتسبان سمت باشی‌گری دارد و مخصوص محتسبی این شهر است و او را پرفیدئولیس می‌نامند و او محکوم وزرای ده‌گانه می‌باشد و چهل و هشت محتسب در تحت اوست و در هر محله از محلات پاریس

یکی از ایشان را گماشته‌اند و مخفی مباد که در هر بلده و بلوکی که یک محتسب باشی هست که اطاعت به وزیر داخله دارند نه به محتسب باشی پاریس و محتسبین ولایات و سایر جاها را وزیر داخله معلوم نموده، امپراطور مأمور می‌فرماید و در زیر حکم حکام و نمایان ایشان و کدخدایان می‌باشند و ایشان به جهت این از جانب دولت منصب می‌گیرند که کسی را نگذارند خلافی کند. بالجمله کارهائی را که مطلق محتسبین متعرض می‌شوند به این تفصیل اند: که هر یک از عملجات کارخانه‌ها را شرح حالش را به همه جهت در کتابچه نوشته به او می‌سپارند و آنچه در کتابچه نگارش می‌دهند این است که چند سال دارد و شغل و عملش چیست و در هر کارخانه چقدر توقف کرده است و هر یک از عملجات کارخانه‌ها که بخواهند به کارخانه بروند کتابچه خود را در نزد پلیس برده رقم می‌کنند و به هم چنین از کارهائی که در عهده محتسبین است سرکشی به اطفالی است که در کارخانه‌ها شاگردی می‌کنند و هرگاه کاری را در قوه ایشان نبینند منع می‌نمایند و رسیدگی به اوزان و مقادیر کرده نگذارند کسی تقلب نموده کم‌فروشی کنند و مواظبت کرده نگذارند به راه‌ها کسی خرابی رساند و درخت‌هائی که در کنار راه‌ها نشانیده‌اند تربیت کرده پرورش دهند و هر جا درخت نشانده‌اند کشت نمایند و نگذارند گوسفندان و سایر حیوانات در جاده‌ها چرند و هر جاقنات و جویی است از خاک و خاشاک پاک نمایند و مرداب‌ها را خشک کنند و به تعمیرات راه‌ها رسیدگی کنند و نگذارند بر عراذه‌ها از قرار معموله بیشتر بارکنند و باید رسیدگی نمایند که مبادا برخلاف حکم

دولت معماران بنائی کرده و بازار و برزن ها کج شود و بالجمله راه ها و جاده های بیرون و درون شهرها را سرکشی کنند که موافق آنچه مقرر داشته اند وسیع و مستقیم باشند و راه های آهن را پاسبانی نموده از برای مردم موجب ضرر و خطر نشوند و اگر کسی بخواهد از راه ها و جاده ها قدری را تصرف کند، ممانعت نمایند و نگذارند از اسباب بخار آنچه تعلق به راه آهن دارد، بیش از آنچه دولت حکم شده است معمول دارند و به معادن نمک رسیدگی نمایند و نگذارند کسی حفر معادن را بهانه کرده به خاک و ملک دیگری نقب زند و به همچنین نگذارند کارخانه هایی که مخالف صحت مردم است نزدیک شهرها بنا کنند و در عهده ثواب حکام است که هر جائی از برای بنای کارخانه صلاحیت دارد و معین کنند و این نوع کارخانه ها را منقسم به سه قسمت کرده اند. اما کارخانه هایی واقعه در مرتبه اولی یعنی به ترتیب حروف تهجی در مرتبه اول می باشند از این قبیل می باشند: قصاب خانه ها و کارخانه های شوره گیری و گوگرد سازی و کارخانه های کبریت سازی و کارخانه های باروت چاشنی سازی و کارخانه های نشاسته پزی و روده تاب و جاهائی که حیوانات مرده را در آنجا برده می افکنند و کارخانه های استخوان سوزی و کارخانه های کتان پوسی و کارخانه های سریش پزی و کارخانه های شیشه گری و کارخانه های تیزاب سازیو کارخانه های مرکب چاپ و کارخانه های قیر سازی و کارخانه هایی که در هر یک روغن ماهی و روغن سقز و روغن برزک

ترتیب می‌دهند و کارخانه‌هایی که سرنج و باروت‌سازی با هر نوع جنس دیگر که با باروت ممزوج میدارند و کارخانه‌هایی که در هر یک نشادر و قلیاب و پیه و زاج سیاه و مشتم می‌سازند و کوره‌های آهک و گچ و کارخانه‌های در مرتبه دوم به این تفصیلند: کارخانه جوهر نمک‌گیری و کارخانه فولادسازی و کارخانه سفیداب قلع‌گیری و کارخانه سفید کردن پارچه و کارخانه لباس شویی و کارخانه شمعی و کارخانه لاک‌سازی و کارخانه دباغی و کارخانه مس‌گذاری و کارخانه عرق‌کشی و کارخانه چینی‌سازی و کارخانه آهن‌گری و کارخانه که برای ساختن روشنائی آن‌چنانی است که گاز می‌نامند و کارخانه ساغری‌سازی و کارخانه کاغذگری و کارخانه که خاصه قند سفید کردن است و کارخانه انفیه‌سازی و کوره آجرپزی.

و کارخانه‌های در مرتبه سیمبه این ترتیبند:

کارخانه جوهر سرکه و کارخانه پشم‌زنی و کارخانه طلاکوبی و کارخانه آب‌جو و کارخانه که برای سفید کردن کافور است و کارخانه زغال‌سازی و کارخانه حلبی‌سازی و کارخانه جیوه‌کردن آینه و کارخانه پشم‌شوئی و کارخانه ساچمه‌ریزی و کارخانه شوره‌گیری و کارخانه صابون‌پزی و کارخانه زاج‌سبز و تکالیفی که در طبابتو جراحی به عهده محاسبین نهاده‌اند این است که: نگذارند کسانی را که از مدارس علم طب و جراحی اجازه نگرفته‌اند طبابت یا جراحی کنند دیگر آنکه نگذارند دواسازان بی‌اذن از اطبا ادویه‌جات مسمومه بفروشند و دیگر آنکه به اطبائی که از دولت معین شده‌اند که رسیدگی

به بازارها و قبرستان ها و تشریح خانه ها و گرانتین ها و جاهائی که خاک روبه میریزند و حمام ها و زندان خانه ها نمایند و سرکشی کنند و نیز هر وقت قبرستانی لازم می شود معین نمایند و غیرها.

مریض خانه ها و مهمان خانه ها

ششم مریض خانه ها و مهمان خانه های مساکین با عماراتی است که در هر یک کودکان بی پرستار را برده پرورش می دهند و بدان که مخارج این گونه جاها را گاهی دولت متحمل می شود و گاهی مردم متصدی می گردند. چنانکه بعضی املاک خود را وقف چنین اماکن می کنند و بعضی نقد می دهند و در مملکت فرانسه هزار و سیصد و سی و هشت مریض خانه می باشند و منافع موقوفات این مریض خانه ها سالی قریب به یازده کرویر تومان است و علاوه بر این آنچه مردم نقد آورده به مخارج مریض خانه ها می دهند قریب به سیصد هزار تومان است و حساب کرده، یافته اند که در مریض خانه های پاریس عموماً هر یک از مرضا سی شاهی مخارج دارند و مخفی مباد که در پاریس چهار مریض خانه بزرگ به جهت بیماران است و یازده مریض خانه دیگر به جهت کسانی است که پیرشده از کار افتاده اند با هفت خانه که مخصوص دیوانگان و کوران و امثال ایشان می باشند و خانه های دیگر نیز هستند که اختصاص به پرورش اطفالی دارند که بر سر راه ها می افکنند و این گونه خانه ها در مملکت فرانسه صد و چهل و چهار می باشند با سی و هفت

دیوان‌خانه و علاوه بر آن چه ذکر شد میان خلق آن سرزمین معمول است که مجلسی آراسته کرده مبلغی معین از زر و سیم به مخارج مساکین و یتاما و مفلوجین فراهم آورده می‌دهند و پس از آنکه مجلس مذکور منعقد شده تعیین مبلغ کردند هر یک به‌خانه‌های خود رفته از برای مساکین و سایرین ترتیب غذا و دوا و ملبوسات می‌دهند.

هفتم مُون پیه تِه^۱ چند می‌باشند که سابقا ذکر شد و در مملکت فرانسه چهل و شش مُنه پیه تِه می‌باشند.

زندان‌های مملکت فرانسه

هشتم زندان‌خانه‌هایی است که در مملکت فرانسه دو نوعند: یکی به‌جهت کسانی است که تقصیر کرده هنوز تنبیه نشده‌اند و یکی دیگر به‌جهت اشخاصی است که تنبیه شده‌اند؛ یعنی تنبیه بودن در همین زندان‌خانه و در هر زندان‌خانه یک رئیس و یک نایب رئیس با مباشر و منشی و پاسبانان چند و غیرها می‌باشند و بدان که مأکول و مشروب و دوا و غذا و خوابگاه و هیزم و بعضی چیزهای دیگر زندانیان را دولت خود از عهده برمی‌آید و هر یک از مقصرین را به‌اندازه تقصیری که دارند به‌کارخانه‌های مختلفه برده به‌کار بازمی‌دارند.

نهم تمام نوشته‌جات دولتی فرانسه است که (آرشیو) می‌نامند و به‌تاریخ و حکومت دولت منسوبند و از هزار و دویست سال قبل از

^۱ پذیرفتن و انجام دادن تکالیف مذهبی.

این تا اکنون در عمارتی مخصوص نهاده صد و پنجاه هزار دسته می باشند و منقسم به پنج می شوند.

قسمت اول در قاعده و قانون دولت فرانسه است؛

و قسمت دوم در فرامین و احکامی است که در دولت جاری کرده اند؛

و قسمت سوم در تفصیل رسوم و آداب قدیمه اهالی مملکت می باشد؛ و قسمت چهارم در نقش هائی است که به املاک فرانسه مدخلیت دارد و قسمت پنجم در احکامی است که خاصه پاریس پای تخت فرانسه می باشد؛ و علاوه بر این هر یک از وزارت خانه ها و ولایات فرانسه یک (ارشيو) دارد و دهم تلگراف است که لساژ نامی از اهل (ژنو) که یکی از ولایات فرانسه می باشد، قریب بهشتاد و دو سال قبل از این اختراع نموده، اکنون بیست و پنج سال است که متداول شده است.

وظایف و اختیارات وزیر زراعت و تجارت

و آنچه از امور مخصوصه به وزیر زراعت و تجارت داد این است: اول مجلسی است که به چند نفر از مشیران زراعت مشتمل است و وزیر مذکور مشیران مزبور را خود معین نموده و در امور زراعت با ایشان مشورت می کند.

دوم مدارس علمی زراعت است و در فرانسه نه مدرسه بزرگ در این علم می باشد با بیست و هفت مدرسه دیگر که علم و عمل با هم آموخته می شود.

سوم مدارس بیطاری است و در فرانسه این گونه مدرسه سه بزرگ و چند کوچک می باشد.

چهارم اماکنی است که اسبان تخم گیری را منزل داده اند و در فرانسه به جهت این عمل هفت مکان در مرتبه اولند و دوازده مکان در مرتبه دوم.

پنجم مجلس مشیران تجارت خاصه و ایشان سی نفرند که حسب فرمان امپراطور معین میشوند و در اموری که به گمرک و عهدنامه تجارتی و کشتیبانی تعلق دارد وزیر مذکور با ایشان مشورت می نماید.

ششم مجلس مشیران تجارت عامه است که شصت نفرند و چهل نفر ایشان را وزیری معین کرده بیست نفر دیگر را تجار مشخص می نمایند.

و وزیر در امور تجارت با ایشان مشورت می نماید و این مجلس در هر سالی یک دفعه منعقد می شود و آن یک دفعه را نیز وزیر معین می کند.

هفتم مجلسی است که از تجار مامور شده از دولت در هر سواد اعظمی منعقد گشته حکام و عمال آن شهر در امور تجارتی رفته از ایشان مشورت می کنند.

هشتم بُرس است و آن عمارت بزرگی است که در وقت معین جمیع تجار به خصوص صرافان در آنجا آمده هر یک با هم کاری دارند انجام می دهند و در بعضی از شهرهای بزرگ فرانسه چنین عمارتی یکی هست.

نهم دلالانی هستند که از دولت معین شده قیمت بروات تجارتی و مسکوکات و اجناس را تعیین می نمایند و در داد و ستد مردم واسطه می باشند.

دهم مشیران کارخانه ها که در اعمال خود مانند مشیران زراعت و تجارتند.

یازدهم عمارتی است که مانند موزه هرچه از زراعت و تجارت و صناعت اختراع می شود شکل آنها را با چوب تراشیده در آنجا می گذارند و در آن عمارت ده معلمند که شاگردان چند را درس زراعت و صناعت می گویند و از شاگردان حق تعلیم نمی گیرند.

دوازدهم مدارس صنایع است که اختصاص به حصول علم و عمل صناعت دارند و از شاگردان این مدارس چهار صد و پنجاه نفر را معین کرده موجب ایشان را به وزیر داده وزیر به شاگردان می دهد و سایرین را که دولت معین نکرده باید هریک سالی پنجاه تومان بدهند و در فرانسه این گونه مدارس بیش از سه مدرسه نیست یکی در شهر شالْن از جوانانی که از ایران به فرانسه فرستاده شدند، اگر لااقل ده نفر به این مدارس بروند بخصوصه در مدرسه شالْن بهتر خواهد بود چه با مخارج اندک بهتر صنایع می آموزند و چون این مدرسه دولتی است مثل آن است که یک نوع سفارش در حق ایشان شده باشد و یکی در آن ژه و یکی در آس و دولت قریب به صد هزار تومان در این مدارس خرج می نماید.

سیزدهم صراف خانه های دولتی است که بانک می نامند و به غیر صرافخانه بزرگ^۱ در پاریس که بانک دفرانس میگویند نه صرافخانه دیگر در شهرهای بزرگ فرانسه می باشند و کار صرافان در این صرافخانه ها این است که از تجار صاحب مایه اخذ بروات کرده تنزیل می کنند و پس از آن وصول می نمایند و غرض اصلی از این صرافخانه ها آسانی و ترقی و یاری تجارت است.

چهاردهم خزینه رعیتی است که کزدپرن می نامند و این عمل به جهت آن است که هر یک از رعایا آنقدر از درآمد و مزد خود را که ذخیره می کنند کم آورده در آنجا می سپارند و هر وقت بخواهند آمده یک دفعه با منفعت می ستانند و این گونه خزینه رعیتی در پاریس و در بیشتر شهرهای فرانسه می باشد و در خزینه رعیتی پاریس حساب کرده دیده اند که هر ساله سه هزار و شش صد و پنجاه و شش نفرند که از پنج هزار تا پنجاه تومان پول آورده سپرده اند و بیست و شش هزار و هشت صد و نود و شش نفر از پنجاه تومان تا صد تومان به امانت گذارده اند و بیست و چهار هزار و هشت صد و هشت نفر از صد تومان تا دویست تومان سپرده اند و شانزده هزار و سیصد و هفتاد و هشت نفر از دویست تومان تا سیصد تومان گذارده اند و نود و نه

۱ حاشیه: و این نوع صراف خانه های دولتی در جمیع دُول فرنگستان متداولند زیرا که دول مذکوره در عوض اینکه پول خود را در خزینه بیکار نگاه دارند به صرافخانه ها فرستاده هم رعیت منفعت میبرد و هم دولت مقصود دولت در خزینه رعیتی این نیست که منفعت ببرد بلکه این پول را از رعیت میگیرد که رعیت منفعت ببرد چه منفعتی که دولت از این پول حاصل می کند به رعیت میدهد و منفعت دولت همان قدر است که خرج می کند

نفرند که از سیصد تومان به بالا داده اند و مبلغ این پولی را که این اشخاص مختلفه آورده اند و در یکسال سپرده اند و قریب به بیست کرور تومان می باشد.

پانزدهم مدارس است هستند که از برای تحصیل علوم متعلقه به صنایع برپا شده اند و یکی از این مدارس که بسیار بزرگ است در پاریس بنا شده است و در آنجا علم هندسه و علم کارفرمائی در کارخانه ها گفته می شود.

وزیر معماری و وظایف آن

و آنچه از امور مخصوصه تعلق به وزیر معماری های دولتی دارد این است:

اول مجلسی که از برای مکالمه در راه آهن فراهم می آید و مجلس از دوازده نفر منعقد شده رئیس مجلس وزیر می باشد و اهل مجلس مزبور با یکدیگر مکالمه کرده هر جا از برای راه آهن صلاحیت دارد معین می کنند بالجمله از این قبیل کارها را متصدی می شوند.

دوم مجلس مشاغل دریائی است که از ده نفر فراهم آمده نیز رئیس ایشان وزیر می باشد و این دوازده نفر با هم مشورت میکنند که چه قسم از مشاغل به جهت روشنی سواحل نیکوتر است و در چه باید افروخت.

سوم مجلسی است که از برای مکالمه در امور متعلقه راه ها و پل ها و رودها و معادن می باشد و این مجلس از هشت نفر مباشران بزرگ و بیست و سه نفر مباشران دیگر و شانزده نفر از رؤسای مهندسین و صد و هشت نفر از مهندسین در مرتبه اول و نود و نه نفر از مهندسین

در مرتبه دوم و صد و چهل و سه نفر از مهندسين در مرتبه سوم و دويست و پنجاه و سه نفر از مهندسين مرتبه چهارم و بعضی مردم ديگر آراسته می شود و اين اشخاص بايد به امور راه ها و پل ها و رودها و معادن رسيدگی نمايند.

چهارم سرکردگان بندرات اند و ايشان صد و هفتاد و پنج نفرند و آنها در اطاعت کسانی می باشند که به امور راه ها و پل ها و رودها و معادن رسيدگی می نمايند و کاری را که در عهده آن صد و هفتاد و پنج نفر است اين است که بندرات را منظم دارند.

پنجم مجلسی است که از برای گفتگوی هيمه و ذغال پاریس منعقد می گردد و ايشان مصلحت می بينند که فی المثل، اگر با کشتی از راه رودخانه هيمه و ذغال به پاریس آورند نیکوتر است يا قسمی ديگر. القصه اين مجلس که از یک رئيس و یک سرکرده بزرگ و دو مباشر خاصه و پانزده مباشر عامه فراهم می آيد به جهت آن است که هيمه و ذغال پاریس را به قدر کفایت مردم تدارک ببينند.

ششم مجلسی است که اختصاص به عمارات دوليت دارد و از یک رئيس و هشت مباشر و یک منشی آراسته می شود و کار ايشان اين است که در تعمير عمارات قدیمه و بنای عمارات جديده مکالمه کرده مصلحت اندیشی کنند.

هفتم مجلسی که مخصوص معادن می باشد و مشتمل است بر هشت مباشر و یک منشی باشی و بدان که رئيس مجلس مزبور و وزير مذکور می باشد و نیز ايشان بايد به امور معادن فرانسه رسيدگی نمايند.

هشتم مدرسه امپراطوری است که در آنجا علم معدن گفته میشود و بس و در فرانسه این گونه مدرسه یکی در پاریس و یکی در شهر سنت اتین می باشد و آنچه از امور مخصوصه تعلق به وزیر لشکر دارد این است.

وظایف وزیر لشکر

اول مجلس امانت لشکر است که به ریاست یکی از صاحب منصبان بزرگ آراسته می شود و امور اهل مجلس مزبور را به پنج قسمت منقسم کرده اند. قسمت اول که نوشته جات مخصوصه مجلس است در عهده منشی باشی می باشد و قسمت دوم که نقشه مخصوصه مملکت فرانسه است در عهده صاحب منصبان و مهندسین می باشد و قسمت سوم نقشه هرولایتی از مملکت فرانسه است که به جهت چاپ کردن می باشد و قسمت چهارم ترتیب دادن نوشته جاتی است که مدخلیت به جنگ های مملکت فرانسه دارند و قسمت پنجم جمع کردن و ترتیب دادن نوشته جاتی است که نسبت به قلعه سازی و کارهای دیگر لشکر از پیاده و سواره چه در داخله و چه در خارجه دارند.

دوم مجلسی است که از برای گرفتن سربازان جدیده منعقد می شود و در مملکت فرانسه رسم است از جوانان بیست ساله آن سرزمین اوقاتی که جنگ نیست هشتاد هزار سرباز می گیرند پس از هفت سال مرخص می کردند و حساب کرده دیده اند که هر ساله در مملکت فرانسه جوانان بیست ساله که قابل سربازی می باشند از سیصد هزار نفر بیشترند و از این سیصد هزار نفر صد و چهار

هزار نفر را انتخاب کرده پس از آن قرعه می زنند و هشتاد هزار نفر سرباز می شوند.

سوم سربازان احتیاطی است^۱ و بدان که اینگونه سربازان اشخاصی هستند که از سربازانی که هر ساله می گیرند و از سربازانی که به جهت سرکشی به خانه و به عیال خود مرخص می شوند فرا گرفته، به خانه خود وامی گذارند، که هروقت ضرورت به هم رسانند به فوج خواسته شوند و ایشان قریب به پنجاه هزار نفر می باشند.

چهارم خریدن اسب است به جهت افواج و به جهت این عمل در دولت فرانسه چند جا معین کرده اند و ریاست این عمل را به عهده صاحب منصبان سواره نظام نهاده اند و مخفی مباد که اندازه اسبان مذکوره به این تفصیل است: اسبانی که از برای سواران نظام خاصه می باشند از یک زرع و هشت کره و یک بهره و نیم تا یک زرع و نه کره و یک بهره می باشد و اسبانی که به جهت توپخانه و نیزه داران معین می شوند از یک زرع و نیم تا یک زرع و نیم و یک بهره و یک ربع می باشند و اسبانی که مخصوص سایر سواران نظامند از یک زرع و هفت کره و یک بهره تا به یک زرع و هفت کره و سه بهره و سه ربع می باشند و اسبانی که از برای عزاده توپخانه و مهندسین معین نموده اند از یک زرع و هفت کره و نیم تا یک زرع و نیم و یک بهره و یک ربع می باشند و باید دانست که دولت فرانسه از تابعین تا

۱. حاشیه: چون در رساله آراستن لشکر تفصیل گرفتن سرباز ذکر شده در اینجا مکرر نمی کنیم.

به سلطان را اسب داده سایر صاحب منصبان خود باید اسب بخرند و اسبانی که هر ساله از جهت فوج خریده می شود اعم از اینکه جدید باشد و یا عوض و قریب به ده هزار سرند.

پنجم مدارس نظامی است که اول آنها اکُل پُلِتیک نیک است که ناپلیون کبیر در پاریس بنا کرده است و از سایر مدارس نظامی بزرگتر است و سابقاً ذکری از آن شد و دوم سن سیستاست که نزدیک به پاریس واقع شده است و این مدرسه مخصوص به تعلیم صاحب منصبان پیاده و سواره نظام و اتامژوری و پیادگان نظامی دریائی می باشد و شاگردان این مدرسه خود را مانند فوج آراسته به یک تبیلان که شش یا هفت دسته باشند مشتملند.

سوم مدرسه نظامی در شهر کَفِلِش است و این مدرسه مخصوص درس خواندن پسران صاحب منصبان نظامی می باشند و چون شاگردان مدرسه مزبوره تحصیل مقدمات علم جنگ می کنند نباید کمتر از ده سال و بیشتر از دوازده سال باشند.

و چهارم مدرسه نظامی سواره نظام است که در شهر سُوْمُور واقع است و در این مدرسه صاحب منصبان سواره نظام تعلیم گرفته مدّت تعلیم ایشان دو سال است.

پنجم مدرسه نظامی اتامژوری پاریس است که اختصاص به صاحب منصبان اتامژوری دارد و بیش از پنجاه شاگرد در آن مدرسه نیست و مدّت تعلیم در این مدرسه دو سال است و هر ساله از شاگردان بیست و پنج نفر خارج شده بیست و پنج نفر دیگر داخل می گردند.

ششم مدرسه توپخانه مهندسين است که در شهر مِس می باشد و مخصوص تکميل یافتن صاحب منصبانی است که در مدرسه اَکُل پلتیک نیک فراغت پیدا کرده با صاحب منصبان افواج و مدت تعلیم در این مدرسه دو سال است و از اشخاصی که در این مدرسه میباشند صد و ده نفرند تحصیل علم توپخانه می کنند و شش و پنجاه نفر درس مهندسی می خوانند.

هفتم مدارس است که برای توپچی گری در بلاد مختلفه فرانسه بیشتر از نه تا نیست.

هشتم مدرسه نظامی مخصوص افواج است که هریک از سربازان خط و سواد نداشته باشند در آن مدرسه رفته می آموزند. نهم مدرسه موزیکان چی گری پاریس است یعنی در آن مدرسه رفته موزیکان نوازی می آموزند.

دهم مدرسه بیطاری است که در قصبه اَلْفَر نزدیک پاریس واقع شده چهل نفر را همیشه دولت متحمل مخارج گشته در آن مدرسه می فرستند که بیطاری بیاموزند و چهارپایان علاج کنند.

یازدهم لژیان دنا است که ناپلیون کبیر خود بر پا کرده مشتمل بر پنج مرتبه می باشد و در آنجا نشان دولتی می بخشند و بدان که نشان های بخشیده شده در این عمارت پنج مرتبه هستند مرتبه اول را گِرانک رَوَا می نامند و مرتبه دوم را برکران زورفیه می گویند و مرتبه سوم را کُما دِر می خوانند و مرتبه چهارم را اُفینیه نام نهاده اند و مرتبه پنجم را شولیه اسم گذارده اند و قریب به ده سال از این حساب کرده دیده اند که از مرتبه اول هشتاد نفر نشان گرفته اند و از مرتبه دوم صد

و نود و شش نفر و از مرتبه سوم هشت صد و سه نفر و از مرتبه چهارم چهار هزار و چهار صد و پنجاه و چهار نفر و از مرتبه پنجم چهل و سه هزار و هشت صد و هشتاد و پنج نفر که به همه جهت به چهل و نه هزار و هشت صد و هفتاد و پنج نفر نشان داده بودند و کسانی که در زمان سلطنت ناپلیون این نشان ها را گرفته بودن اکنون مستمری دارند.

دوازدهم عدالت خانه لشکری است ^{برستان} مشتمل بر دو قسمت می باشد: یک قسمت را مشیران عسکر می نامند ^{برستان} و قسمت دیگر را مشیران خاصه بازدید مرافعه جات لشکریان می خوانند و هر گاه در مرافعه و محاکمه یکی از لشکریان خط و خطائی روی دهد مشیران مذکوره بازدید نموده حکم می کنند که در مجلس دیگر از مشیران رفته تجدید مرافعه کنند و بدان که مشیران خاصه بازدید مرافعه جات لشکریان پنج نفرند.

اول ژنرالی است که رئیس ایشان است و دوم کلنل و سوم یک شقه تبلیان و چهارم و پنجم دو کپیتانو مشیران عسکر شش نفرند. اول یک کلنل و یک نایب کلنل است که رئیس ایشان است. دوم یک شقه تبلیان و سوم و چهارم دو کپیتان و پنجم یک ثبنا و ششم یک نایب ثبنا و مشیران مزبور را در هر قسمت از نظام سرداری که بر آن قسمت حکمران است در عدالت خانه نظامی تعیین می نمایند و هر سربازی مرافعه داشته باشد، می تواند به جهت مکالمه با مدعی خود وکیل تعیین کند و باید مرافعه در مجلس اول تمام شده محتاج به مجلس ثانی نشود و هر گاه سه تن از مشیران مذکور به بیگناهی سربازی که متهم شده حکم کردند فوراً او را رهائی بخشیده به فوج خود می رود.

سیزدهم مریض خانه های نظامی سربازی است که چهار نوع می باشد. نوع اول مریض خانه هائی است که همیشه اعم از اینکه صلح باشد یا جنگ برقرار می باشد. نوع دوم مریض خانه هائی است که در جمع آوری یا حرکت لشکر برقرار می شوند و نوع سوم مریض خانه هائی است که در اوقات جنگ در ^{نزدیک} لشکر برپای می کنند و نوع چهارم مریض خانه هائی است که در ایام جنگ برپا کرده هر یک از لشکریان که بیمار می شود و به مریض خانه های دیگر رفته بهبودی حاصل می کند در آنجا آمده تقویت خود کرده پس از آن به افواج می رود و در مملکت فرانسه پنجاه و هفت مریض خانه از نوع اول می باشند و در هر جائی که مریض خانه های نظامی یافت نشوند سربازان را در مریض خانه های غیر نظامی می برند و حساب کرده دیده اند که سربازان مرضا روهم نفری قریب به بیست و پنج شاهی مخارج دارند و مخارج مریض خانه های مزبوره هر سالی قریب به دو کروور می باشد.

چهاردهم مجلس مشیران صحت لشکر است و ایشان نه نفرند که از پنج مباشر که عبارت از دو طبیب و دو جراح و یک دواساز باشد با دو نایب مباشر که یکی طبیب و دیگری جراح است و یک منشی طبیب و یک روزنامه نگار جراح فراهم می آید.

پانزدهم ایل دِزان ولید است که سربازان زخم خورده و مفلوج را در آنجا برده وظیفه خور دولت خواهند بود و این گونه عمارت یکی در پاریس و یکی در شهر اونی است و چند سال قبل از این شمردند سربازان از هر مرتبه در ایل دِزان ولید پاریس دو هزار و هشتاد و چهار

نفر بودند و در اُونی پانصد و هشتاد و پنج نفر و مخارجی را که دولت در این عمارت گرفته است، دویست و هفتاد و پنج هزار تومان می‌باشد.

شانزدهم قورخانه‌ها و کارخانه‌های توپ‌خانه است که از آن جمله: کارخانه است که هر یک از آلات و ادوات توپ‌خانه که باید به‌دقت تمام ساخت در آنجا انجام می‌گیرد و مدارسی که مخصوص تحصیل علم و عمل توپچی‌گری می‌باشد و این گونه مدارسی بیش از هشت مدرسه در فرانسه نیست و مدرسه مخصوص در شهر مس است که به‌جهت تعلیم ساختن آنچه در قورخانه از باروت و غیره لازم است می‌باشد و قورخانه‌هایی است که به‌جهت ساختن هر گونه عَرَّاده توپ‌خانه و اسباب اسب می‌باشد و این گونه قورخانه‌ها در شهرهای بزرگ فرانسه هشت تا است و قورخانه‌های ریخته‌گری است که به‌جهت توپ‌های بزرگ و کوچک در فرانسه سه تا برپا کرده‌اند و کارخانه‌هایی است که سایر آلات و ادوات جنگ را می‌سازند و آنچه از امور مخصوصه تعلق به وزیرالبحر دارد این است: اول مجلس کارهائی است که باید اهل مجلس مزبور به‌آنچه تعلق به کشتی‌سازی و قورخانه بحری دارد، رسیدگی نمایند. دوم مجلسی است که به‌جهت رسیدگی به قلعه و بندرسازی ولایاتی که از خارجه در تصرف فرانسه می‌باشد فراهم می‌آید. سوم مجلسی است که خاصه ترقی علوم بحریه منعقد میشود. چهارم مجلسی است که مخصوص رسیدگی کردن به امور خرید و فروش سیاهان است. پنجم مجلسی است که به‌جهت سرکشی کردن به مریض‌خانه‌های بحریه آراسته

می گردد. ششم قورخانه های بحری است که از آن قسم قورخانه در مملکت فرانسه پنج بنای بزرگ در بندرات دارند. هفتم مجالس مختلفه است که به جهت ترقی دادن علوم بحریه از قبیل کشتی سازی و کشتیبانی و کشتیبانی فراهم می آید.

وظایف و امور وزیر استیفا

و آنچه از امور مخصوصه تعلق به وزیر استیفا دارد به این تفصیل است: اول مجلس محاسبات است که در آن مجلس باید به حساب دخل و خرج وزرا و حکام و ضباط و عمال رسیدگی کنند و معروض رأی پادشاه دارند و مقصود از این مجلس که مداخل دولت به مخارج بیهوده نرود دوم مجلس مباشرین مداخل و مخارج مملکت است که چهل دو نفرند و ایشان باید به هر جای از مملکت فرانسه ناگاه و بی خبر رفته ببینند چگونه از رعایا مالیات می گیرند به عدل است یا به جور، سوم تحویل داران^۱ مالیات اند و بدان که در هر ولایتی یک تحویل دار خاصه می باشد و در هر بلوک یک تحویل دار عامه و در هر قصبه تحویل دار دیگر هست، که مالیات را از رعایا گرفته به تحویل دار عامه می دهد و تحویل دار عامه به تحویل دار خاصه سپرده تسلیم برات داران دولتی می کند. اعم از اینکه خزینه داران دولتی باشند و یا عمال چهارم امورات مالیات اصلیه و فرعیه است یعنی مالیاتی که بر املاک و اشخاص می نهند و آن به این قسم است که اول بر املاک

۱. حاشیه: موافق عدد ولایات و بلوک هشتاد و شش تحویلدار خاصه است و دویست و هفتاد و

می‌نهند و دوم بر درب و پنجره و سوم بر سرشمار و اسباب‌خانه و چهارم بر شغل و صنعت و فرعیّه یعنی مالیاتی که اول بر مشروبات می‌گذارند و دوم بر نمک و سوم بر قند و چهارم بر اشیای مختلفه از قبیل اذن دادن به فروش مشروبات و کارخانه‌های آب و جو و شکر و قند و کالسکه‌های کرایه و آس و ناس سازی و کارخانه شوره‌پزی و آس و ناس فروشی و عشر^۱ دروازه‌بانی شهرها و مهر دولتی نهادن بر اسباب و آلاتیکه از طلا و نقره ساخته می‌شوند و مهر دولتی را بر قبوض و بروات می‌نهند و کشتیبانی رودخانه‌ها و پل‌ها و سفاین رودخانه‌ها و عرق سازی و کسانی که به گرفتن مالیات فرعیّه مأمورند^۲ در هریک از ممالک فرانسه یک رئیس است و در هر بلوکی یک نائب رئیس باری این اشخاص به غیر مباشرین و تحویل داران دویست و هشت نفرند.

و پنجم تنباکو و انفیه که ده کارخانه دولتی مخصوص این دو چیز در فرانسه می‌باشند و ششم باروت سازی و غیرهاست و علاوه بر این مالیات اصلیه و فرعیّه و مداخل‌های دیگری که دولت دارد به این تفصیلند: گمرکها و باج کشتیبانی و باج‌هائی که بر مکاتبات و مراسلات چاپارخانه‌ها و روزنامه‌ها و پول‌هائی که به ولایات فرستاده

۱. حاشیه: هر چه از دروازه بانی شهرهای فرانسه حاصل میشود و بمخارج شهرها از قبیل فرش

کوچها می‌رود

۲ حاشیه: و این گونه مالیات را کسانی از رعایا می‌گیرند که غیر از تحویلداران در قصبه می‌باشند

ولی مانند تحویلداران عامّه و خاصّه می‌سپارند و هر گاه تحویلداران خاصّه‌دیرتر از موعد پول بدولت برسانند هر قدر دیر شده است باید منفعت بدهند و هر گاه زودتر بدهند منفعت می‌ستانند

می شود و کسانی که بر کالسکه های چاپارخانه ها می نشینند و می نهند و حق محافظت سندها و قباله جات رعایا را در دفترخانه دولتی و منفعت از فروختن کاغذهایی که مهر دولتی دارد و مخصوص نوشتن قبوض و بروات و سایر نوشته جات لازمه رعایا می باشند و آنچه از تذکرها و بلیت هایی که برای رفتن به شکار می دهند و جرایم گناه کاران و ماهی گیری و پیشه داری و غیره و موافق حسابی که کرده اند روهم هر زرعی از املاک در ممالک فرانسه هزار دینار مالیات دارد^۱ و خانه ها روهم هر یک چهار هزار و ده شاهی مالیات دارند ولی بسیار از خانه های بزرگ چنان که در پاریس یافت می شوند که هر یک صد و بیست تومان مالیات میدهند و بسیار از خانه های کوچک چنان که در دهات پیدا می کردند که هر یک بیش از پنج شاهی مالیات ندارند و در مالیات سرشمار قرار گذارده اند که شخص به قدری که سه روز کار می کند باید سرشمار بدهد و این از ده شاهی کمتر و از سی شاهی بیشتر نمی شود و هر کس در مملکت فرانسه توقف دارد چه از خارجه باشد و چه از داخله باید این مالیات را بدهد مگر اینکه کور یا گدا باشد و باید دانست که از خارجه کسانی که سر شمار می دهند که در مملکت فرانسه ساکن شده باشند و از اسباب خانه که خود شخص غالباً در آن خانه منزل دارد مالیات می گیرند و از قراری که حساب کرده اند، هر خانه با هم ملاحظه شده چهار هزار و

۱ حاشیه: این مضمون غلط است یا چیزی افتاده دارد هر زرع دو هزار دینار مالیات ممکن نیست

پانزده شاهی مالیات اسباب دارد و مالیاتی که بر درب و پنجره می گذارند عموماً به هر خانه سه هزار دینار می رسد.

پنجم، گمرک است و کسانی که متصدی این کارند بیست و نه هزار و شش صد و هشتاد و هشت نفرند و موجب و مخارج ایشان قریب به چهار کرور و چهار صد هزار تومان می شود. گمرک هر نوع از اجناس موافق حکم دولت است. یعنی هر چه از دولت مقرر می شود هر کس باشد همان را می دهد و زیاد و کم نمی گردد. پوشیده مباد از اجناس آنچه را دولت قدغن کرده اند که از خارجه نیاورند به این تفصیل اند: شکر، در کار کرده، آهن، مفتول مس؛ مگر آنکه از برای موزیکان باشد نمک، صابون؛ مگر آنکه عطری باشد سیگار و هر نوع تنباکوی دیگر قند و چند نوع عرق و ظروف بدل چینی ثبلی خالی بعضی اسباب های بلور ریسمان پنبه؛ مگر آنکه از صد و چهل و سه بیشتر باشد بعضی ریسمانهای پشم گوسفند، ریسمانهای پشم حیوانات دیگر مگر آنکه از بز و یا گاو و یا سگ باشند. هر گونه پارچه های پنبه مگر تور و حاشیه توری باف اغلب پارچه هایی که از موی دم اسب می سازند پارچه های کشمیری مگر شال بعضی پارچه های ابریشمی آس ناس بعضی پوست ها تیماج ها هر نوع چاقو آلات و ادوات جنگ، باروت و سایر چیزهای قورخانه و اجناسی را که گاهی در مملکت فرانسه قدغن کرده از خارجه نمی آورند و گاهی اذن داده گمرک می نهند، از این قبیلند: پشم گوسفند، پوست گوسفند با پشم، پوست دباغی نشده، صدف حبوبات و آرد حبوبات از امثال عدس و ماش و نخود و لوبیا و غیرها، برنج مملکت پیه

مُنت^۱، آهن نساخته، ریسمان کتان و شاهدانه، فرش پشمینه، شال کشمیری، کتاب تصویر، ساعت و اجناسی را که گاهی در مملکت فرانسه قدغن کرده به خارج نمی‌برند و گاهی اذن داده گمرک می‌نهند به این تفصیل می‌باشند: غله حبوبات و آرد حبوبات و انفی، سیگار، مشروبات، اسباب طلا و نقره، یاروت و اجناسی را که در مملکت فرانسه هم مالیات مینهند و هم گمرک به این تفصیلند: پولاد و حیواناتی که گوشت آنها خورده می‌شود چوب رنگ قهوه، غله، شاهدانه، اسب، پنبه، آهن، ریسمان پنبه، ریسمان مخصوص از کتان و شاهدانه چدن هر نوع پنیر میوه جات خشک شده، بذرهائی که از هر یک روغن می‌گیرند. ذغال سنگ روغن زیتون، نیل، اسباب زراعت، سوهان و ارّه و بعضی از آلات دیگر نجاری، آلات کارخانه را که مشین می‌گویند. قلیاب، پوست دباغی نشده، سرب، فلفل، برنج، شکر ولایت خارجه در تصرف دولت فرانسه، شکر خارجه، پیه، پارچه کتان و شاهدانه، پارچه ابریشم و سایر اجناس دیگر و چیزهای دیگر که در مملکت فرانسه گمرک دارند به این تفصیل اند: کشتیبانی، اجناسی را که در بنادر گمرک می‌گذارند، متاعی را که از خارجه آورده دوباره به خارجه ببرند. مهر گمرک نهادن بر اجناسی که به خارجه می‌برند و اجناسی را که در مملکت فرانسه هرگاه تاجری آمده بخواد از داخله به خارجه ببرد، علاوه بر آنکه هیچ گونه مالیات و

^۱ پیمونتیا پیمونتهایا مونه ((به ایتالیایی: Piemonte))؛ پیمونتیا و کتایی: Piemont؛ (به فرانسوی:

(Piémont)) یکپاز ۲۰ ناحیه ایتالیا است. ر. ک. ده خدا

گمرکی نمی دهد از دولت چیزی می گیرد از این قبیلند: جوهر شوره، جوهر گوگرد، کلاه علف گندم، یا برنج ورق مس، ریسمان کتان یا پشم، اثاث البیتی که از چوب فوفل ساخته شده باشد. تیماج، ورق سرب، صابون روغن زیتون، صابون روغن کرچک، گوگرد صاف شده، پارچه پنبه، پارچه کتان، هر تاجری میتواند در فرانسه مال التجاره را در انبار گمرک گذارده بمرور بردارد و بفروشد رسانیده گمرک آن را کم کم بدهد و بدان که هرگاه متاعی را از طرفی به فرانسه آورده بخواهند طرف دیگر برند گمرک نمی دهند.

پنجم مسکوکات است و باید دانست که این عمل موزه را که تمام مسکوکات قدیمه فرانسه در آنجا می باشد و ضربخانه را شامل می شود و در مملکت فرانسه سیزده شهر است که سکه می زنند و به جهت معلوم شدن پول هر شهری یکی از حروف تهجی را علامت قرار داده بر پول آن شهر نقش می کنند مثلاً شهر پاریس الف است و شهر لیان دال و مخارجی را که دولت به جهت ضربخانه ها به معینین می دهد این است هر سیزده سیر طلا را پنج هزار دینار می دهند و هر سیزده سیر نقره را چهل و پنج شاهی.

ششم آنچه از املاک و عمارات و اثاث البیت و نقدینه به امپراطور واگذارده اند بدان که هرگونه املاک و دوازده عمارت عالیه در پاریس و غیر پاریس را با مداخل کارخانه های سیور و کُبلَن و باده و به امپراطور واگذار نموده اند و اثاث البیت او را از تاج و جواهرهای گوناگون و مروارید و پرده های تصاویر و کتابخانه ها با هرگونه اسباب های نفیسه معین کرده اند. القصه دولت فرانسه به مقتضای قواعد و انتظامی که

دارد زودتر از سایر دول فرنگستان می تواند لشکر و سیم و زر آماده کرده به هر جا که اراده کند روانه نماید، زیرا که در این دولت کاری را امپراطور اراده فرموده، متعلق به هر وزیری هست آن وزیر حکم نموده به حکام می رسد و حکام گوش زد کدخدایان ساخته انجام می دهند و در همان آن افواج حرکت می کنند و کشتی های جنگی به جنبش می آیند و آواز شیپورها بلند می شود و توپ ها مانند رعد به غرش می آیند و مملکت فرانسه مانند شخص واحد برپای آمده مصمم می گردد.

والسلام خیر ختام.

تبرستان
www.tabarestan.info



مترجم

ژول ریشار یا میرزا رضاخان متولد 1231 در پاریس و درگذشته 1308 ه.ق است. نخستین معلم زبان فرانسه مدرسه در عهد قاجاریه که بسیاری از رجال نامدار ایران در عصر قاجار و پهلوی، زبان فرانسه را از وی آموخته‌اند و نام او بدلائل مختلف در تاریخ قاجاریه ذکر شده است.

ژول ریشار در سال 1816 میلادی برابر با 1231 ه.ق در پاریس به دنیا آمد و در سال 1848 میلادی برابر با 1260 قمری و در زمان پادشاهی محمد شاه قاجار، به ایران آمد و پس از قبول دین اسلام، نام خویش را تغییر داد و رضا گذاشت و به میرزا رضا خان شهرت یافت. در اواخر سال 1288 قمری، از طرف ناصرالدین شاه قاجار لقب خانی به او داده شد و از این تاریخ به بعد معروف به ریشار خان گردید و وی پس از تأسیس دارالفنون بعنوان اولین معلم زبان فرانسه در این مدرسه مشغول به تدریس شد و تا آخر عمر خویش، معلم فرانسه دارالفنون بود. وی البته بعدها جزو کارمندان وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی نیز شد و در این وزارتخانه، مترجم زبان فرانسه، زبان انگلیسی و غیره بود.

وی سرانجام در سن 77 سالگی، و در سال 1308 هجری قمری، مصادف با 1891 میلادی در تهران درگذشت و در گورستان خارج دروازه شهرری، در محلی که موسوم به آب انبار قاسم خان بود، به خاک سپرده